

















مسددکاری عنوانی است که در مورد آن سوء تفاهات زیادی ایجاد شده است، چرا که عنوان مددکاری به طیف بزرگی از افرادی اطلاق شده است که در حوزه‌های مختلف مشغول به فعالیتند. اما «مددکار اجتماعی» عنوان اختصاصی فارغ التحصیلان رشته

هفته گذشته و به مناسبت میلاد حضرت علی(ع) ویناری به همت گروه آموزشی مددکاری اجتماعی در دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی برگزار شد و شمار زیادی از اعضای هیات علمی، پیشکسوتان، دانشجویان، مسئولان و فارغ التحصیلان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در آن به بررسی ضرورت حضور مددکار اجتماعی در ارکان مختلف جامعه پرداختند.

#### مددکاری اجتماعی وسلامت روانی جامعه

یکی از تأثیرات مهم حضور مددکار اجتماعی در جامعه، تأثیر آن در سلامت روانی است.

دکتر حمیدرضا خانکه، رئیس دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در این وینار گفت: دانشگاه‌های علوم پزشکی عمدتاً به حوزه پزشکی می‌پردازند، و شبکه علوم بهزیستی و توانبخشی تنها دانشگاهی است که در حوزه سلامت اجتماعی و روانی فعالیت گسترده دارد، و می‌تواند مرجع علمی این حوزه را به عهده داشته باشد، که قاعدتاً برای کسب این مرجعیت علمی، نیازمند شایستگی‌ها و توانمندی علمی‌بیش از آنچه که وجود دارد، هستیم.

رئیس دانشگاه افزود: گروه‌های مددکاری اجتماعی، رفاه اجتماعی، سالمندی و مراکز تحقیقات



**\*دکتر حمید رضا خانکه، رئیس دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تنها دانشگاهی است که در حوزه سلامت اجتماعی و روانی فعالیت گسترده دارد، و می‌تواند مرجعیت علمی این حوزه را به عهده داشته باشد، که قاعدتاً برای کسب این مرجعیت علمی، نیاز مند شایستگی‌ها و توانمندی علمی‌بیش از آنچه که وجود دارد، هستیم**



سلامت و رفاه اجتماعی، SDH و گروه‌ها و مراکز تحقیقاتی دیگر باید دست به دست هم دهند و در جهت تولید شواهد علمی در حوزه سلامت اجتماعی و انجام مطالعات در این حوزه مداخله کنند. مددکاری اجتماعی خانکه توضیح داد: گروه مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، مرکز آموزشی منحصربه‌فرد و تنها گروه مددکاری اجتماعی در دانشگاه علوم پزشکی کشور محسوب می‌شود که به تربیت نیروی متخصص مددکاری می‌پردازد و دانشگاه‌های دیگر هم متأثر از دانشگاه ما هستند و بنظر می‌رسد که در آینده مرجعیت علمی این حوزه را با همت و مشارکت اساتید بنام این دانشگاه بتوان کسب کرد.

این استاد دانشگاه با اشاره به یک سال شیوع کرونا در کشور افزود: شما نمونه بارز این موضوع را در میحث مدیریت کووید ۱۹ دیدید و تأثیرات آن بر سلامتی جسمی و سلامت اجتماعی و روانی در کشور ما و تمام کشور‌های جهان، انکار ناپذیر است و در کشورهایی که روی سلامت اجتماعی و روانی مردم و مشارکت مردم بهتر انجام می‌شود و مطمئناً هرچه روی حوزه سلامت اجتماعی تاکید شود، نتایج بهتر بدست می‌آید و کاشی هزینه‌های سلامت را در بر خواهد داشت.

او از تمامی همکاران و اساتید که در برگزاری این همایش زحمت کشیدند، سرکار خاتم دکتر راهب، دیگر همکاران تشکر کرده و گفت: امیدوارم هم چه زودتر شاهد توفیق روزافزون در این حوزه باشیم، مردم در شرایط کرونایی علاوه بر خدمات پزشکی، نیاز به حمایت‌های اجتماعی و روانی دارند و حضور مددکاران اجتماعی در مراکز بهداشتی و درمانی و در سطح جامعه می‌تواند بسیار موثر و تسهیل کننده باشد

او در جلب مشارکت با مدیریت دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی این کمیته، مربوط به حیطه‌های مبتنی موثر خواهد بود.

دکتر خانکه با اشاره به نقش سازمان بهزیستی کشور و خدمات بسیار ارزنده این سازمان که با مدیریت خوب در حوزه سلامت اجتماعی و روانی انجام می‌شود، افزود: امیدوارم دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی نیز با همکاری اعضای هیات علمی، همچنان سکاندار و مرجع علمی سلامت اجتماعی در کشور باشد، و مددکاران اجتماعی نیز نقش کلیدی و موثر خود را بخوبی ایفاء کرده و یکی از ارکان مهم در این حوزه خواهند بود.

وی در پایان سخنان، فرارسیدن ولادت حضرت علی (ع) و روز مددکار به تمامی اعضای هیات علمی حوزه مددکاری اجتماعی، مددکاران شاغل در مراکز تابعه و دانشجویان این رشته، برای آنان توفیق هرچه بیشتر در انجام رسالتی را که بعده دارند، آرزو کرد.

#### توانمندسازی وتوانبخشی اجتماعی

توانمندسازی است و توانبخشی از جمله اقدامات مددکار اجتماعی است که با حضور مددکار در جامعه به آن عینیت می‌بخشد.

وی از مددکاران علاقه مند به فعالیت در این حوزه دعوت کرد تا در صورتی که تمایل به همکاری با کمیته تخصصی «حمایت از کودکان در معرض خطر» را داشته باشند، به جمع متخصصان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی بپیوندند.

دکتر راهب همچنین به تشکیل کمیته «توانمندسازی

و توانبخشی اجتماعی» در گروه مددکاری اجتماعی

دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی اشاره کرد و افزود: فعالیت این کمیته، مربوط به حیطه‌های مبتنی

#### به انگیزه برگزاری همایش کشوری روز مددکار اجتماعی

## مددکاری یعنی عشق...



بر آسیب‌های اجتماعی می‌شود و بخشی از مباحث همایش کشوری بزرگداشت «روز مددکار اجتماعی»، مربوط به همین حیطه بوده که از سوی اعضای هیات علمی و دانشجویان مددکاری اجتماعی مطرح خواهد شد.

مدیر گروه آموزشی مددکاری اجتماعی دانشگاه علوم بهزیستی، به تشکیل کمیته «مشاوره‌های روانی و اجتماعی» در این گروه نیز پرداخت و گفت: پروژه‌های تحقیقاتی و روش‌های تخصصی در گستره فعالیت‌های مربوط به سلامت اجتماعی و روانی خانواده‌ها، کودکان و نوجوانان این خانواده‌ها، در کمیته مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد و در این خصوص نیز می‌توان از همکاری مشترک متخصصان حوزه مددکاری اجتماعی در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و آموزشی کشور و مددکاران در مراکز خدماتی، بهره گرفت.

وی در پایان سخنان خود، ضمن عرض تبریک روز مددکار به تمامی اعضای هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و مددکاران شاغل در همه مراکز درمانی، مراکز پیشگیری و سلامت اجتماعی در قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌ها و نهاده‌ا، برای توفیق هر بیشتر آن در انجام وظایف، دعا کرد.

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت بران نیلی (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۳۹۵۰۰۵۱۰۰۱۴۰۰ و شماره ثبت ۲۸۶۱۶**
از کلیه سهامداران شرکت جهت حضور در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده ساعت ۱۰ روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ واقع در محل قانونی شرکت دعوت به عمل می‌آید.
**دستور جلسه:**
۱- استماع گزارش مدیر بهر امور مالی، برنامه سالانه سهامداران شرکت در سال ۱۳۹۸ و تصویب آن.
۲- انتخاب بازرسان.

**آگهی دعوت از سهامداران شرکت بران نیلی (سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۳۹۵۰۰۵۱۰۰۵۱۰۰۱۴۰۰ و شماره ثبت ۲۸۶۱۶**
از کلیه سهامداران شرکت جهت حضور در جلسه مجمع عمومی فوق العاده سات ۱۱ روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ واقع در محل قانونی شرکت دعوت به عمل می‌آید.
**دستور جلسه:**
۱- تغییر آدرس شرکت
۲- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع فوق باشد.

**آگهی دعوت سهامداران شرکت تجهیز ات ولوازم بیمارستانی کاسپین مازندران (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۳۵۲**
**وشاسه ملی ۰۳۳۹۱۰۲۶۰۱ جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده**
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که در ساعت ۱۰ روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.
**دستور جلسه:**
۱- تغییر آدرس شرکت
۲- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع فوق باشد.

**آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت صراف صافی سامان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۳۳۱۵۷ و شناسه ملی ۱۰۲۴۴۱۵۱۱ (۱۳۹۵)**
از کلیه صاحبان سهام یا وکلا و نمایندگان آنان دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که رأس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ در تهران به نشانی خیابان خالد اسلامی، خیابان هفتم، پلاک ۱۱ برگزار می‌گردد، حضور به هم رسانند.
**دستور جلسه:**
۱- استماع گزارش هیات مدیره، حسابرس مستقل و بازرسی قانونی شرکت در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۹/۳۰
۲- بررسی و تصویب برنامه و حساب سود و زیان و صورت های مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۹/۳۰
۳- اتخاذ تصمیم در مورد میزان تقسیم سود
۴- انتخاب حسابرس و بازرسی اصلی و علی البدل و تعیین حق الزحمه آنان
۵- تعیین میزان حق حضور اعضای غیر موظف هیات مدیره
۶- تعیین یانان عملکرد اعضای هیات مدیره
۷- تعیین روزنامه کثیر الانشمار برای درج آگهی شرکت
۸- سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه است.

**آگهی حق تقدم در خصوص افزایش سرمایه شرکت صنعت نخته فشرد آریانا (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۹۶۴۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۸۳۱۲۱**
پیرو مشورته مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۱ ساعت ۱۱ صبح شرکت صنعت نخته فشرد آریانا (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۹۶۴۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۸۳۱۲۱ و تفویض اختیار قید شده در مجمع مذکور به هیئت مدیره تصمیم گرفته شد سرمایه شرکت از مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سهم ۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ ریالی که ۲۴۷۵۵۰ سهم بانام و ۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سهم ۴۸۰/۰۰۰/۰۰۰ سهم بانام از محل مطالبات حال شده اشخاص افزایش یابد.
در اجرای ماده ۱۶۹ لایحه اصلاحی قانون تجارت هر سهامدار در ازای هر سهم جهت تقدم خرید ۱ سهم دارد.
کلیه سهامداران می‌توانند از تاریخ نشر آگهی به مدت ۶۰ روز چنانچه مطالباتی از شرکت دارند جهت تبدیل مطالبات خود به سهام به محل شرکت واقع در تهران خیابان جردن- بلوار نلسون ماندلا-خیابان ناهید غربی- پلاک ۷۹- طبقه سوم- کد پستی ۱۹۶۴۹۱۳۴۴۴ افزایش نمایند.

بدیهی است پس از انقضای مهلت مقرر هیئت مدیره می‌تواند سهام باقیمانده را به دیگر متقاضیان بنا به صلاحدید خود واگذار نماید.

**هیأت مدیره**

### گزارش

وقتی جامعه ای از نظر روحی و روانی سلامت باشد، نشاط ویزگی بارز آن است. مددکار اجتماعی کسی است که با تلاش برای سلامت روان، نشاط و روحیه افراد را بالا می‌برد.

در همایش روز مددکار اجتماعی، حجت الاسلام عباسی معاون نمایندگی دفتر نهاد معظم رهبری در دانشگاه علوم بهزیستی نیز طی سخنانی، در بیان خصوصیات حضرت علی (ع) گفت: ایشان سراسر

حاج آقا عباسی تصریح کرد: توجه داشته باشیم که اسلام در نظر دارد تا در اتفاق نیازمندان، علاوه بر سیر کردن پندگاه خدا، سبب رشد، تعالی و ترکیه انسان‌ها شود و در واقع، انسان با اتفاق دیگران، به رشد درونی خودش نیز می‌رسد. وی در پایان سخنانش، ضمن تشکر از همه افرادی که در آموزش و پژوهش فعالیت می‌کنند و از علم و دانش خُسرود اتفاق می‌کنند، ابراز امیدواری کرد که همانند امیرالمومنان علی(ع) قدمی در راه رف باز دیگران برداریم.

#### توزیع روحیه ونشاط

حاج آقا عباسی تصریح کرد: توجه داشته باشیم که اسلام در نظر دارد تا در اتفاق نیازمندان، علاوه بر سیر کردن پندگاه خدا، سبب رشد، تعالی و ترکیه انسان‌ها شود و در واقع، انسان با اتفاق دیگران، به رشد درونی خودش نیز می‌رسد. وی در پایان سخنانش، ضمن تشکر از همه افرادی که در آموزش و پژوهش فعالیت می‌کنند و از علم و دانش خُسرود اتفاق می‌کنند، ابراز امیدواری کرد که همانند امیرالمومنان علی(ع) قدمی در راه رف باز دیگران برداریم.

انجام می‌دادند. در این میان، سیره حضرت علی(ع) سراسر حمایت از نیازمندان بود. دکتر مصطفی اقلیما، عضو بازنشسته هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و از پیشکسوتان و صاحب‌نظران حوزه مددکاری در این همایش، با طرح این سؤال که چرا روز ولادت حضرت علی (ع) را به عنوان روز « مددکار » نامگذاری کردند؟ وارد موضوع سخنرانی خود شد.

وی با یادآوری سیره شهروه بودن، اما هیچ کس نمی‌تاست که از چه می‌پند و با حفظ عزت نفس و حرمت نیازمندان به آنان کمک می‌کرد، و مددکاران نیز باید با الگو قرار دادن ایشان، به نیازمندان و درماندگان کمک کنند.

دکتر اقلیما با اشاره به جایگاه مددکاران اجتماعی و شرح وظایف درست این متخصصان، افزود: مددکاران اجتماعی افرادی هستند که با استفاده از تخصص و مهارت خود، علت مشکلات را پیدا کرده و راهکارهای رفع آنها را پیدا می‌کنند و با استفاده از مسئولان و برنامه‌ریزان، در رفع معضلات و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تلاش می‌کنند. وی گفت: جایگاه و شرح وظایف مددکاران اجتماعی طی سالیهای اخیر با حمایت وزیر محترم بهداشت و معاون آموزشی، درمانی و توسعه این وزارت، مسئولان، بازنگری و به استنادنارد جهانی نزدیک شده است و در اعتباربخشی مراکز درمانی و بیمارستانها، رعایت استانداردها مدنظر قرار می‌گیرد و اگر این استانداردها رعایت نشده باشد، اعتباربخشی



**دکتر غنچه راهب، مدیر گروه آموزشی مددکاری اجتماعی: پروژه‌های تحقیقاتی در گستره فعالیت‌های مربوط به سلامت اجتماعی و روانی خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان این خانواده‌ها، در کمیته مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد**



پیشکسوت و از اساتید حوزه مددکاری اجتماعی گفت: در شرایط امروز جامعه ما، مددکاران اجتماعی نیازمند اجرای قانون نظام مددکاری اجتماعی هستند که بتواند ضمن دفاع از حقوق صنفی مددکاران اجتماعی کشور، مدافع حق و حقوق مخاطبان این حوزه نیز باشد.

وی همچنین توجه به جایگاه مددکاران اجتماعی و توسعه رشته مددکاری اجتماعی را مورد تاکید قرار داد. «هویت حرفه ای مددکاری اجتماعی، فرایند آموزش توانبخشی در مددکاری، مفاهیم و نظریه‌های توانمندسازی اجتماعی، الگوهای نقاط قوت در کار با سالمندان: توانمندسازی در مقابل مراقبت، توانبخشی اجتماعی در حسودات و بلاای و مداخلات مددکاری اجتماعی در حوزه سرطان کودکان » از جمله مباحث مطرح شده توسط اعضای هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و اساتید و محققان دیگر دانشگاه‌های کشور در این همایش بود. ضمن آنکه با برگزاری دو کارگاه، «رعایت کدهای اخلاقی در حرفه مددکاری اجتماعی » و «توانبخشی اجتماعی » به شرکت کنندگان آموزش داده شد.

محورهای مورد نظر در این همایش شامل «آموزش توانبخشی در مددکاری اجتماعی، هویت حرفه‌ای مددکاری اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌های توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی مددکاری اجتماعی در حیطه‌های روانی – اجتماعی» بود.

**لغو آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ شرکت سیمان مازندران (سهامی عام) به شماره ثبت ۹ و شناسه ملی ۰۰۰۰۶۶۵۲۲۰۰**
تکا
پیرو آگهی منتشره در روزنامه اطلاعات به شماره ۲۷۷۸۴ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۵ در خصوص دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه رأس ساعت ۱۰:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۷ به اطلاع می‌رساند مجمع عمومی عادی سالیانه در تاریخ مذکور برگزار نمی‌گردد و تصمیم‌گیری در خصوص دستور جلسه به مجمع بعدی که تاریخ آن متعاقباً اعلام می‌گردد موکل گردید.

**هیأت مدیره شرکت سیمان مازندران (سهامی عام)**

**جدول**

**عودی:**

۱- اثری از ابراهیم گلستان- آداب و رسوم

۲- شهر بندری ترکیه - کنیه حضرت رسول (ص)

۳- نوعی کلاه - پارچه کهنه - پایتخت غنا

۴- مادر محلی - پرنج فروشی - دریاچه مریز کانادا

۵- شهر - تهران در آلمان - سرخ تیره - تعجب خانم ها

۶- عتیکوت سسی - نوعی دسر میوه ای - هر پزیرا ها

۷- فیلسوف ایتالیایی مولف شهریار - معطر و خوشبو

۸- نام های پسرانه - وقت : زمان - کشاورزی

۹- وسیله لحیم کردن - دسته ای از حشرات مانند موریا نه ها

۱۰- همنشین برهنه - فراوانی - مقابل حضور

۱۱- صحنه نمایش - بی مانند - وسیله درو - سستی و نرمی

۱۲- نام دخترانه - یلای بیان کن - نام مردانه فرنگی

۱۳- جاودان - تیروی زندگی - مارک معروفی بر خودروهای ژاپنی

۱۴- چینیدن، حرکت کردن - نعمت دادن

۱۵- قوم آتیلا - ملی پوش بختکباز کشورمان



نقد اخلاق سعادت‌مدار

**نقد اخلاق سعادت‌مدار** یا **نقد اخلاق سعادت‌مداری** (حتی سعادت مشروع (بشری) اگر معیار اخلاق قرار بگیرد، به ما «**قانون عام**» (general rule) می‌کند نه «**قانون کلی**» (universal rule). این دو ارائه در فرهنگ لغت معنای یکسانی دارند و به معنی عمومی و کلی هستند؛ ولی در اصطلاحات تخصصی فیلسوفان دو معانی متفاوت دارند. **عالم عام** به معنای فراگیر است؛ ولی **universal** از ریشه universe به معنای جهان ساخته شده است و به معنای عالمگیر است؛ به معنای جهان. باز هم فرقتان روشن نیست. برای وضوح مطلب از اصطلاحات عربی کمک می‌گیرم. دو اصطلاح فی‌الجملة و بالجملة. یک حکم گاهی فی‌الجملة صادق است و گاهی بالجملة. «فی‌الجملة» صادق است، یعنی عموماً در بیشتر موارد صادق است؛ اما استثنا می‌تواند داشته باشد؛ اما «بالجملة» صادق است، یعنی استثنا ندارد، یعنی بیشتر موارد. یعنی این‌ها در بیشتر موارد **general** یعنی فی‌الجملة صادق است؛ یعنی در بیشتر موارد صادق است؛ ولی می‌تواند استثنا داشته باشد؛ اما **universal** استثنا ندارد، بالجملة همه صادق را شامل می‌شود. قوانین عمومی روی هم رفته صادق‌اند؛ ولی قوانین کلی دائمی و روزی‌نادر و ضرورتاً صادق‌اند.

«سعادت» از نظر کانت همین واقعیت‌های تجربی است که لطراف ما وجود دارد، مثل: ثروت، قدرت، آسایش، فرزندان و… البته در افراد مختلف فرق می‌کند؛ ولی به هر حال سعادت یک امر تجربی است. امر تجربی هم متغیر است و ثابت نیست و این امر تجربی می‌تواند برای ما قاعده ایجاد کند؛ ولی قاعدهٔ کلی نیست، بلکه قاعدهٔ عام است. قاعدهٔ عمومی به این معنا که می‌گوییم «سعادت برای عموم انسان‌ها خوب است»؛ ولی نمی‌توانیم بگوییم برای هر انسانی خوب است. ممکن است خیلی‌ها از ثروت و قدرت احسان سعادت نکنند؛ بنابراین سعادت قانون عمومی ایجاد می‌کند، ولی قاعده کلی ایجاد نمی‌کند و در اخلاق نیاز به قاعده کلی داریم نه قانون عمومی.

«اصل سعادت در حقیقت می‌تواند دستورهای تمهید کند، ولی حتی اگر هم سعادت کلی موضوع آن قرار بگیرد، هرگز این دستورها صلاحیت آن را پیدا نمی‌کنند که قانون ارائه شوند.» سعادت این دستور عمل قرار بگیرد، ولی چون کانت امر تجربی و متغیر است، نمی‌تواند قانون کلی می‌باشد؛ «زیرا از آنجا که شناخت این اصل بر داده‌های تجربی صرف مبتنی است، از آنجا که قضاوت هر انسانی در باره آن تا حد زیادی بر دیدگاه خاص او که خود این نیز انتخاب، بنیاد قاعده است و بنابراین باید مقدم بر آن باشد. این قاعده فقط می‌تواند ناظر به احساسی باشد که دست می‌دهد و بنابراین ناظر به تجربه و مبتنی بر آن است و در آن صورت تنوع قضاوت افراد پابلی نخواهد داشت.» بنابراین، این اصل قضاوت، قواعد عملی یکسانی را به همه موجودات متعلق توصیه نمی‌کند، حتی گو این که قواعد آن تحت آن عنوان عام، یعنی عنوان سعادت قرار می‌گیرد. اما از طرف دیگر قانون اخلاق، فقط به دلیل اینکه در مورد هر فرد پهرمند از عقل و اراده صدق می‌کند، قانونی به نحو عینی و ضروری تلقی می‌شود.» (صص۹۲ و ۹۴).

کانت در اینجا قانون سعادت را با قانون اخلاق مقایسه

دو دایره

**«انسان اخلاقی و وقتی تقلب کند، دچار عذاب وجدان می‌شود، گویی می‌خواهد بگوید: اگر وجدانم با تو بود و همه دنیا علیه تو بودند، نگران مباش؛ اما اگر وجدانت با تو نبود و دنیا با تو بودند، نگران مباش؛ امیدوار مباش؛ عذاب وجدان بر اساس نظریه و وظیفه قابل تبیین است**

دو دایره

می‌کند. قانون سعادت اگر هم به ما حکمی دهد، این حکم را، قاعدهٔ قاعده عمومی است. اگر سعادت مبنی قرار گیرد، اختلاف نظریه بین ما پابانی ندارد و نمی‌توانیم تصور واحدی از سعادت داشته باشیم. وقتی سعادت امر تجربی باشد، تصور هر کدام از ما از سعادت، امر متفاوتی است. «مصادق» سعادت میان انسان‌ها مشترک نیست، «متصور» ما از مفهوم سعادت مشترک است، به این نحو که همه می‌گوییم: به دنبال سعادت هستیم، ولی وقتی می‌خواهیم منظورمان را از مصداق سعادت بگوییم، به ما هم اختلاف نظر داریم. کانت می‌گوید: مثل زن و شوهری که هر دو می‌گویند اما فقط طلاق می‌خواهیم، این هر دو یک چیز می‌خواهند و اما طلاق است؛ اما به هیچ وجه اینکه هر دو یک چیز می‌خواهند، به معنی هماهنگی و تفاهم بین آنها نیست. در مثال دیگری می‌گوید: شاه فرانسیس اول به چارلز دوم تعهد داده بود که «آنچه بپردازم چارلز می‌خواهد، ما نیز همان را می‌خواهیم» و آن چیز میلان بود. پس آن دو که چیز را می‌خواستند، ولی تفاهم نداشتند و نهایت تقابل را داشتند؛ بنابراین تصور ما از سعادت، گاهی با همه متین است. مثل وقتی که من سفر را سعادت می‌دانم و دیگری در خانه ماندن را گاهی با من مقابل است، مثل وقتی که هر دو نفر میلان را می‌خواهند. پس چنین چیزی که تا این حد متغیر است، نمی‌تواند بنیاد اخلاق قرار بگیرد. اما مفهوم سعادت نه تنها بین افراد متفاوت است، بلکه در دو واحد هم متفاوت است. ما در هر مقطعی از زندگی،

تصوری از سعادت داریم که در مقطع دیگر نداریم و با گذشت زمان، تصورما از سعادت تغییر می‌کند. پس اخلاق سعادت‌مدار به این معنا از نظر کانت مصادیقی از دگرایی است و زمانی که دگرگینی را وارد اخلاق کنیم بنیاد اخلاق را نابود کردیم.

نقد سوم

نقد سومی که کانت به اخلاق دگر آیین وارد می‌کند، این است که می‌گوید: ما بر اساس خودآیینی، می‌توانیم توجیه خودمان را فرض کنیم؛ ولی بر اساس دگرآیینی، این تکیف نیست. فرض کنیم که تصور واحدی از سعادت داریم؛ ولی اگر سعادت غایت اخلاق قرار گیرد، یک غایت نیست؛فانی است. اگر فرض کنیم هدف اخلاق، تأمین سعادت ما باشد، اما اینکه چگونه می‌شود سعادت را تأمین کرد و راه‌های دستیابی به سعادت چیست؟ اصلاً سعادت حد و حدودش چیست؟ مسأ را در چهار بخش بی‌پایانی می‌کند که هر کز به نتیجه نمی‌رسد. در حالی که اگر بپذیریم مبنای تصمیم ما ندای وجدان است، به راحتی به نتیجه می‌رسیم.

نقد خودآیینی از نظر کانت بسیار آسان است. اما اگر دگرآیین باشیم و بخواهیم سعادت بشریت را تأمین کنیم، برای تشخیص سعادت انسان‌ها فقط نیاز به شناخت اخلاق نداریم، بلکه نیاز به بسیاری شناخت‌های

دیگر داریم که هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند آن را حاصل کند؛ ولی اگر بخواهیم وظیفه اخلاقی‌مان را تشخیص دهیم، به صرف مراجعه به وجدان آن را درک می‌کنیم. برای تأمین سعادت انسان‌ها فقط نیاز به انجام وظیفه اخلاقی نیست. یک واقعیت در زندگی اخلاقی داریم و آن عذاب وجدان، کانت می‌گوید عذاب وجدان را بر مبنای نظریه سعادت‌گراییانه نمی‌شود تبیین کرد. زمانی که ما وظیفه خود را در درست انجام نداده باشیم، دچار عذاب وجدان می‌شویم. عبارت کانت این است، «حکام حقوقی آن قوه شکفت در نهاد ما که از آن به وجدان تعبیر می‌کنیم، کاملاً هماهنگ با این است. ممکن است که آدمی هر رفتندی را که می‌خواهد، به کار بپندد تا عملی خلاف قانون را که در خاطره‌اش تلغای می‌شود، در نظر خویش به عنوان خطایی غیرعمدی یا غفلت صرف که هرگز گریز و گزیری از آن نداشته و بنابراین به عنوان عملی تصویر کند که بر اثر جریان ضرورت طبیعی بدان سوق یافته است و بدین طریق خویش را تبرئه کند؛ ولی متوجه می‌شود که وکیل مدافع که به دفاع از وی برخاسته است، به هیچ وجه قادر به خاموش ساختن دادخواه درون وی نیست. البته فقط به این شرط که در حین ارتکاب آن خطا، مالک حواس خویش یعنی مالک اخلاق خویش بوده باشد.» ولی این رنج یعنی احساس ندامت کاملاً مشروع است؛ زیرا وقتی پای قانون وجود معقول [=فوق محسوس] ما [قانون اخلاق] در میان است، عقل هیچ‌کوقت تمایز زمانی را به رسمیت نمی‌نماید و فقط می‌پرسد که: آیا آن حادثه، به عنوان فعل من، به من تعلق دارد یا نه؟ و سپس همواره به لحاظ اخلاقی همان احساس را با آن فعل همراه می‌کند، خواه در همین زمان انجام شده باشد و خواه مدتها پیش.» (صص۱۶۳ و ۱۶۴).

اگر کار غیر اخلاقی انجام دهیم، احساس ندامت می‌کنیم. هر انسانی هر چقدر هم به لحاظ اخلاقی بی‌رگ باشد، این را تجربه کرده است. این را بر اساس سعادت نمی‌شود تبیین کرد؛ برای مثال اگر کسی در بازی قلب کند و برنده شود، وقتی کار او را با منطق سعادت بسنجیم، هیچ مشکلی ندارد؛ ولی وقتی به خودش برمی‌گردد، عذاب وجدان دارد و از کارش پشیمان است. پس عذاب وجدان یک واقعیت اخلاقی درون ماست که با منطق سعادت‌گراییانه نمی‌شود توجیهش کرد. لذا کانت از این طریق دوباره راهی برای نظریه خویش باز می‌کند و زمی‌زمانی می‌کند، کسی که در بازی باخته است، ممکن است از دست خودش یا بی‌احتیاطی اش عصبانی باشد، ولی اگر بلدان که در بازی قلب کرده است (حتی اگر در این بازی برده باشد)، همین که خود را با قانون اخلاق مقایسه‌کند، قطعاً از خودش متنفر خواهد بود. پس این باید چیزی متفاوت با اصل سعادت فردی باشد.

آدمی باید دو معیار متفاوت در اختیار داشته باشد، وقتی ناگزیر به خود می‌گوید: «من انسان پستی هستم هرچند که جیمم را پر کردم» و وقتی که خود را تحسین می‌کند و می‌گوید: «من انسان دوراندیشی هستم؛ زیرا ثروت را افزایش داده‌ام»(صص۶۵). انسان اخلاقی وقتی قلب کند، دچار عذاب وجدان می‌شود، گویی می‌خواهد بگوید: «اگر وجدانت با تو بود و همه دنیا علیه تو بودند، نگران مباش؛ اما اگر وجدانت با تو نبود و همه دنیا با تو نبود، امیدوار مباش.» کانت می‌گوید عذاب وجدان براساس نظریه سعادت قابل توجیه و تبیین نیست ولی براساس نظریه وظیفه قابل توجیه.

سنالهٔ مجازات

نقد پنجم به سعادت‌گرایی این است که سعادت‌گرایی همان‌طور که واقعیت وجدان را نمی‌تواند تبیین کند، واقعیت مجازات و کیفر را هم تبیین نمی‌کند. یک کیفر بیرونی داریم و یک کیفر درونی که همان عذاب وجدان است. کیفر بیرونی مجازات افراد به خاطر کارهای بدشان است. اخلاق اقتضا نمی‌کند کسی که حقوق دیگران را زیرپا می‌گذارد، تحت مجازات قرار بگیرد. مجازات یکی از مسائل اصلی فلسفه اخلاق و فلسفه حقوق است. سؤال این است که

برابر شد و براساج با مجازات پشیمابر ۲۰۰۱، توجه به اسلام و مسلمانان به نقطه اوج رسید.

**آسا در طسی این مراحل، هرگز هیچ پای به یک کشور اسلامی سر کرد؟**
تا پیش از این ششم، پاپ‌ها به‌ندرت مسافرت می‌کردند؛ اما از او به بعد، به دلیل امکانپذیر شدن مسافرت هوایی، سفرهای پاپ افزایش یافت و در زمان پای دل دوم که پاپی بسیار برسر فر بود، سفرها به اوج رسید. در آگوست ۱۹۸۵ بود که او به عنوان اولین پاپی که به طور رسمی از یک کشور آزادی ابدی می‌گرفت، به عنوان پاپ دوم، مصر، اردنوی، مراکش رفت و در ورزشگاه بزرگ محمد پنجم در دارالبیضا (کازابلانکا) برای جمعیت بزرگی سخنرانی کرد. زان پل بعد تعداد زیادی از افراد معتقد به دعوت به صلح، مدونوی، جمهوری آذربایجان، بنگلادش، اردن،قزاقستان، پاکستان، لبنان، فلسطین، سوریه، ترکیه، تونس، سوآن، آلبانی، مالی و سنگال. او پیش از هر پاپ دیگری خود را به سفرهای زیادی به اقصی نقاط عالم و از جمله به کشورهای اسلامی انجام داد. پس از وی نیز بنیدیک شانزدهم که پاپ آرامش نسبی و موافقت فلسطینی رفت. پاپ فرانسیس نیز تا کنون از اردن، فلسطین، ترکیه، آلبانی، جمهوری آذربایجان، مصر، بنگلادش، امارات و مراکش دیدار کرده است.

دو دایره

و اسما در خصوص عراق، زمانی که در واتیکان بودم،

**«یکی از انگیزه‌های سفر پاپ، حساسیت کلیسای کاتولیک نسبت به‌کاهش چشمگیر تعداد مسیحیان در خاورمیانه است. واتیکان همواره باقی ماندن این مسیحیان در سرزمین‌های بومی‌شان را**

**مطلوب دانسته و کوشیده به منظور ترکیب آنها به عدم مهاجرت، اقداماتی انجام دهد**

دو دایره

یعنی در اواسط دههٔ ۹۰ میلادی، ژان پل دوم از تمایل خود به سفر به برخی از کشورها سخن می‌گفت: مثلاً خیلی بای است که ما به مسکو برویم. اما در آن زمان، پارتیزان مسکو کلیسای دوم بود و به هیچ عنوان چنان سفری را نمی‌پذیرفت. چنانکه، ماایل بود به سزارویرود بود که پس از آرامش نسبی و موافقت کلیسای ارتدوکس یونانی، این سفر انجام شد. در مصر نیز باپاشنوده او را راه نمی‌داد. او مایل بود به عراق هم برود و قصد داشت به مناسبت سال ۲۰۰۰ میلادی به عربیولی بود و به طور کلی به مسیحیان و به طور خاص برای کاتولیک‌ها اهمیت رمزی داشت، به شهر اور، زادگاه حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>

چرا باید دیگران را مجازات کنیم؟ این باید توجیه عقلی داشته باشد. البته دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. یک دیدگاه معروف، دیدگاه انتقام‌جویانه است؛ یعنی ما کاری نداریم که مجازات معقول است یا نه، مهم این است که انتقام عمل بدی که کسی انجام داده، گرفته شود. نظریه انتقام‌جویانه می‌گوید بذار باید تاوان کارش را بپردازد؛ ولو اینکه تاوانی که می‌دهد نفعی هم به حال جامعه نداشته باشد.

یکی از نظریات در باب توجیه مجازات، این است که مجازات به نفع جامعه است. در قرآن کریم آمده است: **«لکم فی القصاص حیاة»** (بقره، ۱۷۹). نظریه دیگر این است که مجازات تأثیر تنبیهی دارد. وقتی شخصی را مجازات می‌کنیم، او نسبت به بدی عملی که انجام داده، آگاه می‌شود. کانت به این جزئیات وارد نمی‌شود، فقط می‌خواهد بگوید سـعادت‌گرایی نمی‌تواند مجازات را توجیه کند. می‌گوید مبنای توجیه سعادت نیست، «عدالت» است. مجازات را بر مبنای سعادت نمی‌توان توجیه کرد. اصلاً مجازات خلاف سعادت است. مجازات ابتدا به عنوان زیان و آسیب درک می‌شود و آسیب با سـعادت سنخیت ندارد؛ ولی

سـعادت مفقود می‌شود و با سـعادت

# فلسفه اخلاق کانت

کانت در یک مجسمه در شهر کونیگسبرگ

چرا باید دیگران را مجازات کنیم؟ این باید توجیه عقلی داشته باشد. البته دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. یک دیدگاه معروف، دیدگاه انتقام‌جویانه است؛ یعنی ما کاری نداریم که مجازات معقول است یا نه، مهم این است که انتقام عمل بدی که کسی انجام داده، گرفته شود. نظریه انتقام‌جویانه می‌گوید بذار باید تاوان کارش را بپردازد؛ ولو اینکه تاوانی که می‌دهد نفعی هم به حال جامعه نداشته باشد. یکی از نظریات در باب توجیه مجازات، این است که مجازات به نفع جامعه است. در قرآن کریم آمده است: **«لکم فی القصاص حیاة»** (بقره، ۱۷۹). نظریه دیگر این است که مجازات تأثیر تنبیهی دارد. وقتی شخصی را مجازات می‌کنیم، او نسبت به بدی عملی که انجام داده، آگاه می‌شود. کانت به این جزئیات وارد نمی‌شود، فقط می‌خواهد بگوید سـعادت‌گرایی نمی‌تواند مجازات را توجیه کند. می‌گوید مبنای توجیه سعادت نیست، «عدالت» است. مجازات را بر مبنای سعادت نمی‌توان توجیه کرد. اصلاً مجازات خلاف سعادت است. مجازات ابتدا به عنوان زیان و آسیب درک می‌شود و آسیب با سـعادت سنخیت ندارد؛ ولی سـعادت مفقود می‌شود و با سـعادت

برابر شد و براساج با مجازات پشیمابر ۲۰۰۱، توجه به اسلام و مسلمانان به نقطه اوج رسید. **آسا در طسی این مراحل، هرگز هیچ پای به یک کشور اسلامی سر کرد؟**
تا پیش از این ششم، پاپ‌ها به‌ندرت مسافرت می‌کردند؛ اما از او به بعد، به دلیل امکانپذیر شدن مسافرت هوایی، سفرهای پاپ افزایش یافت و در زمان پای دل دوم که پاپی بسیار برسر فر بود، سفرها به اوج رسید. در آگوست ۱۹۸۵ بود که او به عنوان اولین پاپی که به طور رسمی از یک کشور آزادی ابدی می‌گرفت، به عنوان پاپ دوم، مصر، اردنوی، مراکش رفت و در ورزشگاه بزرگ محمد پنجم در دارالبیضا (کازابلانکا) برای جمعیت بزرگی سخنرانی کرد. زان پل بعد تعداد زیادی از افراد معتقد به دعوت به صلح، مدونوی، جمهوری آذربایجان، بنگلادش، اردن،قزاقستان، پاکستان، لبنان، فلسطین، سوریه، ترکیه، تونس، سوآن، آلبانی، مالی و سنگال. او پیش از هر پاپ دیگری خود را به سفرهای زیادی به اقصی نقاط عالم و از جمله به کشورهای اسلامی انجام داد. پس از وی نیز بنیدیک شانزدهم که پاپ آرامش نسبی و موافقت فلسطینی رفت. پاپ فرانسیس نیز تا کنون از اردن، فلسطین، ترکیه، آلبانی، جمهوری آذربایجان، مصر، بنگلادش، امارات و مراکش دیدار کرده است.

و اسما در خصوص عراق، زمانی که در واتیکان بودم، **«یکی از انگیزه‌های سفر پاپ، حساسیت کلیسای کاتولیک نسبت به‌کاهش چشمگیر تعداد مسیحیان در خاورمیانه است. واتیکان همواره باقی ماندن این مسیحیان در سرزمین‌های بومی‌شان را مطلوب دانسته و کوشیده به منظور ترکیب آنها به عدم مهاجرت، اقداماتی انجام دهد**

یعنی در اواسط دههٔ ۹۰ میلادی، ژان پل دوم از تمایل خود به سفر به برخی از کشورها سخن می‌گفت: مثلاً خیلی بای است که ما به مسکو برویم. اما در آن زمان، پارتیزان مسکو کلیسای دوم بود و به هیچ عنوان چنان سفری را نمی‌پذیرفت. چنانکه، ماایل بود به سزارویرود بود که پس از آرامش نسبی و موافقت کلیسای ارتدوکس یونانی، این سفر انجام شد. در مصر نیز باپاشنوده او را راه نمی‌داد. او مایل بود به عراق هم برود و قصد داشت به مناسبت سال ۲۰۰۰ میلادی به عربیولی بود و به طور کلی به مسیحیان و به طور خاص برای کاتولیک‌ها اهمیت رمزی داشت، به شهر اور، زادگاه حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup>

چرا باید دیگران را مجازات کنیم؟ این باید توجیه عقلی داشته باشد. البته دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. یک دیدگاه معروف، دیدگاه انتقام‌جویانه است؛ یعنی ما کاری نداریم که مجازات معقول است یا نه، مهم این است که انتقام عمل بدی که کسی انجام داده، گرفته شود. نظریه انتقام‌جویانه می‌گوید بذار باید تاوان کارش را بپردازد؛ ولو اینکه تاوانی که می‌دهد نفعی هم به حال جامعه نداشته باشد.

یکی از نظریات در باب توجیه مجازات، این است که مجازات به نفع جامعه است. در قرآن کریم آمده است: **«لکم فی القصاص حیاة»** (بقره، ۱۷۹). نظریه دیگر این است که مجازات تأثیر تنبیهی دارد. وقتی شخصی را مجازات می‌کنیم، او نسبت به بدی عملی که انجام داده، آگاه می‌شود. کانت به این جزئیات وارد نمی‌شود، فقط می‌خواهد بگوید سـعادت‌گرایی نمی‌تواند مجازات را توجیه کند. می‌گوید مبنای توجیه سعادت نیست، «عدالت» است. مجازات را بر مبنای سعادت نمی‌توان توجیه کرد. اصلاً مجازات خلاف سعادت است. مجازات ابتدا به عنوان زیان و آسیب درک می‌شود و آسیب با سـعادت سنخیت ندارد؛ ولی سـعادت مفقود می‌شود و با سـعادت

برابر شد و براساج با مجازات پشیمابر ۲۰۰۱، توجه به اسلام و مسلمانان به نقطه اوج رسید. **آسا در طسی این مراحل، هرگز هیچ پای به یک کشور اسلامی سر کرد؟**
تا پیش از این ششم، پاپ‌ها به‌ندرت مسافرت می‌کردند؛ اما از او به بعد، به دلیل امکانپذیر شدن مسافرت هوایی، سفرهای پاپ افزایش یافت و در زمان پای دل دوم که پاپی بسیار برسر فر بود، سفرها به اوج رسید. در آگوست ۱۹۸۵ بود که او به عنوان اولین پاپی که به طور رسمی از یک کشور آزادی ابدی می‌گرفت، به عنوان پاپ دوم، مصر، اردنوی، مراکش رفت و در ورزشگاه بزرگ محمد پنجم در دارالبیضا (کازابلانکا) برای جمعیت بزرگی سخنرانی کرد. زان پل بعد تعداد زیادی از افراد معتقد به دعوت به صلح، مدونوی، جمهوری آذربایجان، بنگلادش، اردن،قزاقستان، پاکستان، لبنان، فلسطین، سوریه، ترکیه، تونس، سوآن، آلبانی، مالی و سنگال. او پیش از هر پاپ دیگری خود را به سفرهای زیادی به اقصی نقاط عالم و از جمله به کشورهای اسلامی انجام داد. پس از وی نیز بنیدیک شانزدهم که پاپ آرامش نسبی و موافقت فلسطینی رفت. پاپ فرانسیس نیز تا کنون از اردن، فلسطین، ترکیه، آلبانی، جمهوری آذربایجان، مصر، بنگلادش، امارات و مراکش دیدار کرده است.

و اسما در خصوص عراق، زمانی که در واتیکان بودم،

## نظرها و اندیشه‌ها

تاملی در نقدهای کانت

کانت به خودگرایان و فایده‌گرایان ندهایی وارد کرده است. کاپلستون می‌گوید: «نقد کانت نسبت به نظریات سعادت‌گرا قدری با تبختر و تکبر و بی‌اعتنایی همراه است!» درباره نقد کانت به سعادت‌گرایی، دو نکته وجود دارد: گرچه بصیرت‌های درخشانی در سخنان کانت هست، ولی وقتی آن را با مباحث فیلسوفان بعدی در این حوزه مقایسه می‌کنیم، بی‌بینمی بحث فیلسوفان سعادت‌گرا دقیق‌تر از چیزی است که کانت درباره آنها گفته است. فیلسوفان سعادت‌گرا دو گروه هستند: خودگرایان و فایده‌گرایان. خودگرایان، سعادت فردی را مبنا قرار می‌دهند و «فایده‌گرایان» سعادت بشریت را مبنا قرار می‌دهند. کانت این دو را از هم تفکیک نمی‌کند، یک کدام از این دو را جداگانه در نظر بگیریم، ممکن است ندهایی به هر کدام به صورت مجزا وارد باشد، ولی لزوماً همه نقدها به یکسان به آنها وارد نمی‌شود. نقد دیگر به کانت این است که فیلسوفان بعدی در این حوزه نظریه‌ره از از هم تفکیک نمی‌کنند، هیچ کدام را از آن‌گونه که باید، مورد توجه قرار نداده و با بسیاری از جزئیات آن

نظریه حس اخلاقی می‌گوید همه انسان‌ها این حس را

دارند و با همه تفاوت نیستند. همان‌طور که همه افراد سالم رنگ سبز را سبز می‌بینند، پس همه انسان‌ها رذیلت را رذیلت و فضیلت را فضیلت می‌بینند. دیدن آن از جنس این است که احساسی در آنها ایجاد می‌کند که در تمام انسان‌ها یکسان است. نظریه حس اخلاقی از یک جهت در مقابل نظریه هابز است که می‌گفت هیچ فضیلت یا رذیلت فی‌نفسه‌ای وجود ندارد و مصلحت ما تعیین می‌کند چه درست است و چه نادرست. از نظر هابز سرشت انسان فاسد است، پس، از فضیلت لذت نمی‌برد یا از رذیلت دچار الم نمی‌شود و انسان شرست منحرف دارد؛ اما نظریه حس اخلاقی می‌گوید انسان‌ها سرشت نیکو دارند، بنابراین بوی خوش عمل نیک و بوی بد عمل بد را درک می‌کنند. همه انسان‌ها معرفت اخلاقی دارند و معرفت اخلاقی‌شان تجربی است.

یکی از ندهای اولیه‌ای که این نظریه نشده، این است که طبق این نظریه ما باید چشم یا گوش اخلاقی داشته باشیم، ولی این کسی نشان نداده است. جای حس اخلاقی را را ناتوانی بدن انسان نمی‌توانیم نشان دهیم، البته این دست سطحی است، زیرا حس اخلاقی جزء حواس باطنی است؛ مثل حافظه که نمی‌توان جایی برایش تعیین کرد. یکی از ندهای جدی این است که اگر انسان واقعاً چنین احساسی داشته باشد، باید همگان درباره خوب و بد اجماع داشته باشند که چنین نیست، پس چنین توافقی بین انسان‌ها وجود ندارد. نقد دیگر می‌گوید اینکه «سرشت بشر است»، چیزی نیست که بتوان آن را بدراحتی اثبات کرد، چون واقعیت انسان‌ها این است که سرشت یکسانی ندارند. دیگر اینکه رقیب جدی برای حس اخلاقی وجود دارد و آن عقل است. فیلسوفان از جمله کانت می‌گویند خوب و بد را درک می‌کنیم اما نه از طریق حس بلکه از طریق عقل.

**نقد کانت به حس اخلاقی**
کانت در نقد عقل عملی می‌گوید: «نظریه‌ای پراسه‌تر، هرچند این نیز نظریه‌ای باطل است، نظریه کسانی است که فرض می‌کنند یک حس اخلاقی خاص و نه عقل، قانون اخلاق را تعیین می‌کند و بر طبق آن نظریه آگاهی به فضیلت یا خسردی و لذت و آگاهی به رذیلت مستقیماً با ناخردندای و الم نفسانی مرتبط است. بدین‌سان همه چیز را به میل و سعادت فردی فرو می‌کاهند.» در اینجا می‌خواهم به معاطله‌ای توجه دم‌هم که اصحاب این نظریه به دام آن گرفتار می‌آیند.» کلیت آن مغالطه این است که اگر انسان بخواهد حس اخلاقی داشته باشد که رذیلت و فضیلت را درک کند، ابتدا باید یک انسان نیمه‌درستکار یا نیمچه اخلاقی باشد، یعنی خودش درکی از اخلاق داشته باشد و بعد حس اخلاقی‌اش به کار بیفتد. به تعبیر دیگر حس اخلاقی مقدم بر اخلاق نیست، بلکه مؤخر از اخلاق است.

اما برای تجربه‌گرایی که نظریه حس اخلاقی را مطرح می‌کند، حس اخلاقی مبای اخلاق است. به اعتقاد کانت حس اخلاقی دستور اخلاق است: «آنها برای آنکه بتوانند انسان شیر را انسانی تصور کنند که بر اثر آگاهی به خطای خویش دستخوش ناخردندای نفسانی می‌شود، باید ابتدا او را انسانی بدانند که به لحاظ بنیاد اصلی مش خویش، لافل تا اندازهای، اخلاقاً خوب است؛ یعنی انسان شرری که فعل او خویش را نگاه می‌کند. و دچار الم می‌شود باید ابتدا تا حد ناخردندای اخلاقی باشد. درست است که کار بدی انجام داده، ولی همه کسانی که بعد از انجام کار بد دچار الم می‌شوند، حتماً اخلاقی هستند. پس باید اخلاق قبل از احساس الم از کار بد وجود داشته‌ است. «این عمل طور شخصی را هم که با آگاهی به کردار درست خویش خرسند می‌شود، باید یک انسانی بافضیلت بدانند؛ بنابراین باید مفهوم اخلاق را تفکیک، بر به گونه توجیه به این خرسندی مقدم بود و نمی‌تواند برگرفته از آن باشد. ابتدا باید اهمیت چیزی را که به اطاعت خویش از قانون اخلاق نصیبمان می‌شود، یا آن ندامت تلخ را که به تنحطی از قانون اخلاق همراه است، تجربه کنیم.» حس اخلاقی اگر معنایی داشته باشد، همان وجدان اخلاقی است. ولی وجدان اخلاقی مؤخر از اخلاق است. ابتدا انسان‌ها درکی از اخلاق دارد و اخلاقی هستند. بعد دچار وجدان می‌شوند یا از کار خوب حس اخلاقی لذت می‌برند؛ ولی اگر کسانی ندهند که وجدان در آنها مرده، پس چنین احساسی هم نخواهد داشت.

پس تپوست‌ها:
reibertive theory 4. moral sense 3. تهیه و تنظیم: سمانه عرفان

کاهش دامه یافته است. شخصاً از کشیشان و اسقفان عراقی شنیدم که بدتر از خود این روند کاهشی، نگرانی تاریختی و پشیمانی باقی‌ماندگان است؛ آنها به لحاظ امنیتی، اوضاع نامستقری دارند و احساس می‌کنند که می‌تواند خیلی پیش از این پیش از ترک می‌کردند! بنابراین تصمیم پاپ به سفر به عراق کاملاً مقهول است. به واقع این سفری است که به دلیل اصرار زیاد کاتولیک‌ها ساکو و کلیسای کاتولیک عراق و همچنین دولت عراق انجام می‌شود و پاپ امیدوار است که این سفر بتواند موقعیت مسیحیان عراق را به نوعی ارتقا دهد و برای مسیحیان مجموع منطقه، نوعی آرامش را به همراه آورد. در برای علاوه، اعتبار خود واتیکان را نیز در نزد قدرت‌های مختلف غربی افزایش دهد.

**آسا کاتولیک بودن چو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا، ممکن است نتایج مثبتی برای پاپ و واتیکان داشته باشد؟**

لورنس فارغ از نگرانی از منافع بریتانیا که ممکن بود با پیروزی جنگ چربکی از دست برود، بر آن شد تا خطاهن حجاز را به‌طور کلی منهدم سازد؛ عملیاتی که پس از کار آن منع شده بود. متوجه‌های بخار ایستاده بر خطاهن، همواره به آلبیگری نیاز داشتند. تصمیم گرفت تا چاههای حیاتی آب موجود در ایسنگاه «مدوره» را – که هم‌اکنون در مال اردن با سعودی قرار دارد – نابود سازد تا به این وسیله چنان‌کم ایجاد کند که هیچ لوکوموتوئی نتواند از این مسیر بگذرد. اما این تصمیم به دلیل نزاع بین طوایفی که در گروهش بودند، عقیم ماند. در شکایتی گفت: «میانجامد کردن با آنان مانند تلاشی بی‌پایان جهت ترمیم یک تنسج به‌اشات است» و اضافه کرد طی آن عملیات، بیشتر نگرانی مسئله تأمین مایحتاج، حمل‌ونقل، پرداخت‌ها به طوایف، حل‌وفصل منازعات، تأمین کارکاهی‌ها در عودا، آموزش قدمد و نظایر آن بود تا پرداختن به کار انفجار»؛ پس از رسیدن به مدوره و شناسایی ششانه آن بود، در دریاقت که نیروهای وی از هماهنگی لازم برای مقابله با عثمانی که از نظر تعداد، دو برابرشان بودند، برخوردار نیست، با ناامیدی به دو سرباز عادی که با خود آورده بود – پلز و بورگ – روی آورد و برای کمین در مسیر قطار برنامه‌ریزی کرد. در حالی که پلز و بورگ خمپاره‌انداز و مسلسل را بر روی تازی که مشرف بر خطاهن بود، مستقر کردند و

در پاتین مسیر، لورنس دو ساعت مشغول دفن کیسهای محتوی پنجاه

تجربه‌گرایی مربوط به مباحث نظری یعنی فلسفه و متافیزیک است؛ ولی تجربه‌گرایی‌ای مانند هیوم معتقدند اخلاق از منطق تجربه‌گرایی تبعیت می‌کند؛ منطق تجربه‌گرایی این است که معرفت‌های ما از طریق یک حس حسسی به دست آمده است؛ مثلاً دیدنی‌ها را از طریق چشمش می‌شناسیم، شنیدنی‌ها را از طریسـت گوش و آلی آخر. کانت نظریه حس اخلاقی را نقد می‌کند.

تجربه‌گرایان درباره حس اخلاقی می‌گفتند چیزهایی که نظر اخلاقی فضیلت‌اند، به ما احساس خوشایند و چیزهایی که رذیلت‌اند، به ما احساس ناخوشایند می‌دهند. این احساس بیانگر این است که ما می‌توانیم درک اخلاقی داشته باشیم؛ یعنی گویی همان‌طور که وقتی می‌گویم این شی آبی‌رنگ است، یک ویژگی را در چشم من در آن تشخیص داده که اسـمـش را می‌گذارم آبی، اگر گفتـم این فعل، فعل شجاعت‌های است، یک حسـی دارم که شجاعت را در آن می‌یابد. بنابراین من به شجاعت‌ه‌اوندش علم پیدا می‌کنم. پس اگر چیزی فضیلت باشد علت احساس خوشایند و اگر چیزی رذیلت باشد علت احساس ناخوشایند در ما است.

نظریه حس اخلاقی می‌گوید همه انسان‌ها این حس را دارند و با همه تفاوت نیستند. همان‌طور که همه افراد سالم رنگ سبز را سبز می‌بینند، پس همه انسان‌ها رذیلت را رذیلت و فضیلت را فضیلت می‌بینند. دیدن آن از جنس این است که احساسی در آنها ایجاد می‌کند که در تمام انسان‌ها یکسان است. نظریه حس اخلاقی از یک جهت در مقابل نظریه هابز است که می‌گفت هیچ فضیلت یا رذیلت فی‌نفسه‌ای وجود ندارد و مصلحت ما تعیین می‌کند چه درست است و چه نادرست. از نظر هابز سرشت انسان فاسد است، پس، از فضیلت لذت نمی‌برد یا از رذیلت دچار الم نمی‌شود و انسان شرست منحرف دارد؛ اما نظریه حس اخلاقی می‌گوید انسان‌ها سرشت نیکو دارند، بنابراین بوی خوش عمل نیک و بوی بد عمل بد را درک می‌کنند. همه انسان‌ها معرفت اخلاقی دارند و معرفت اخلاقی‌شان تجربی است.

یکی از ندهای اولیه‌ای که این نظریه نشده، این است که طبق این نظریه ما باید چشم یا گوش اخلاقی داشته باشیم، ولی این کسی نشان نداده است. جای حس اخلاقی را را ناتوانی بدن انسان نمی‌توانیم نشان دهیم، البته این دست سطحی است، زیرا حس اخلاقی جزء حواس باطنی است؛ مثل حافظه که نمی‌توان جایی برایش تعیین کرد. یکی از ندهای جدی این است که اگر انسان واقعاً چنین احساسی داشته باشد، باید همگان درباره خوب و بد اجماع داشته باشند که چنین نیست، پس چنین توافقی بین انسان‌ها وجود ندارد. نقد دیگر می‌گوید اینکه «سرشت بشر است»، چیزی نیست که بتوان آن را بدراحتی اثبات کرد، چون واقعیت انسان‌ها این است که سرشت یکسانی ندارند. دیگر اینکه رقیب جدی برای حس اخلاقی وجود دارد و آن عقل است. فیلسوفان از جمله کانت می‌گویند خوب و بد را درک می‌کنیم اما نه از طریق حس بلکه از طریق عقل.

**نقد کانت به حس اخلاقی**
کانت در نقد عقل عملی می‌گوید: «نظریه‌ای پراسه‌تر، هرچند این نیز نظریه‌ای باطل است، نظریه کسانی است که فرض می‌کنند یک حس اخلاقی خاص و نه عقل، قانون اخلاق را تعیین می‌کند و بر طبق آن نظریه آگاهی به فضیلت یا خسردی و لذت و آگاهی به رذیلت مستقیماً با ناخردندای و الم نفسانی مرتبط است. بدین‌سان همه چیز را به میل و سعادت فردی فرو می‌کاهند.» در اینجا می‌خواهم به معاطله‌ای توجه دم‌هم که اصحاب این نظریه به دام آن گرفتار می‌آیند.» کلیت آن مغالطه این است که اگر انسان بخواهد حس اخلاقی داشته باشد که رذیلت و فضیلت را درک کند، ابتدا باید یک انسان نیمه‌درستکار یا نیمچه اخلاقی باشد، یعنی خودش درکی از اخلاق داشته باشد و بعد حس اخلاقی‌اش به کار بیفتد. به تعبیر دیگر حس اخلاقی مقدم بر اخلاق نیست، بلکه مؤخر از اخلاق است.

اما برای تجربه‌گرایی که نظریه حس اخلاقی را مطرح می‌کند، حس اخلاقی مبای اخلاق است. به اعتقاد کانت حس اخلاقی دستور اخلاق است: «آنها برای آنکه بتوانند انسان شیر را انسانی تصور کنند که بر اثر آگاهی به خطای خویش دستخوش ناخردندای نفسانی می‌شود، باید ابتدا او را انسانی بدانند که به لحاظ بنیاد اصلی مش خویش، لافل تا اندازهای، اخلاقاً خوب است؛ یعنی انسان شرری که فعل او خویش را نگاه می‌کند. و دچار الم می‌شود باید ابتدا تا حد ناخردندای اخلاقی باشد. درست است که کار بدی انجام داده، ولی همه کسانی که بعد از انجام کار بد دچار الم می‌شوند، حتماً اخلاقی هستند. پس باید اخلاق قبل از احساس الم از کار بد وجود داشته‌ است. «این عمل طور شخصی را هم که با آگاهی به کردار درست خویش خرسند می‌شود، باید یک انسانی بافضیلت بدانند؛ بنابراین باید مفهوم اخلاق را تفکیک، بر به گونه توجیه به این خرسندی مقدم بود و نمی‌تواند برگرفته از آن باشد. ابتدا باید اهمیت چیزی را که به اطاعت خویش از قانون اخلاق نصیبمان می‌شود، یا آن ندامت تلخ را که به تنحطی از قانون اخلاق همراه است، تجربه کنیم.» حس اخلاقی اگر معنایی داشته باشد، همان وجدان اخلاقی است. ولی وجدان اخلاقی مؤخر از اخلاق است. ابتدا انسان‌ها درکی از اخلاق دارد و اخلاقی هستند. بعد دچار وجدان می‌شوند یا از کار خوب حس اخلاقی لذت می‌برند؛ ولی اگر کسانی ندهند که وجدان در آنها مرده، پس چنین احساسی هم نخواهد داشت.

پس تپوست‌ها:
reibertive theory 4. moral sense 3. تهیه و تنظیم: سمانه عرفان

کاهش دامه یافته است. شخصاً از کشیشان و اسقفان عراقی شنیدم که بدتر از خود این روند کاهشی، نگرانی تاریختی و پشیمانی باقی‌ماندگان است؛ آنها به لحاظ امنیتی، اوضاع نامستقری دارند و احساس می‌کنند که می‌تواند خیلی پیش از این پیش از ترک می‌کردند! بنابراین تصمیم پاپ به سفر به عراق کاملاً مقهول است. به واقع این سفری است که به دلیل اصرار زیاد کاتولیک‌ها ساکو و کلیسای کاتولیک عراق و همچنین دولت عراق انجام می‌شود و پاپ امیدوار است که این سفر بتواند موقعیت مسیحیان عراق را به نوعی ارتقا دهد و برای مسیحیان مجموع منطقه، نوعی آرامش را به همراه آورد. در برای علاوه، اعتبار خود واتیکان را نیز در نزد قدرت‌های مختلف غربی افزایش دهد.

**آسا کاتولیک بودن چو بایدن، رئیس‌جمهور امریکا، ممکن است نتایج مثبتی برای پاپ و واتیکان داشته باشد؟**

لورنس فارغ از نگرانی از منافع بریتانیا که ممکن بود با پیروزی جنگ چربکی از دست برود، بر آن شد تا خطاهن حجاز را به‌طور کلی منهدم سازد؛ عملیاتی که پس از کار آن منع شده بود. متوجه‌های بخار ایستاده بر خطاهن، همواره به آلبیگری نیاز داشتند. تصمیم گرفت تا چاههای حیاتی آب موجود در ایسنگاه «مدوره» را – که هم‌اکنون در مال اردن با سعودی قرار دارد – نابود سازد تا به این وسیله چنان‌کم ایجاد کند که هیچ لوکوموتوئی نتواند از این مسیر بگذرد. اما این تصمیم به دلیل نزاع بین طوایفی که در گروهش بودند، عقیم ماند. در شکایتی گفت: «میانجامد کردن با آنان مانند تلاشی بی‌پایان جهت ترمیم یک تنسج به‌اشات است» و اضافه کرد طی آن عملیات، بیشتر نگرانی مسئله تأمین مایحتاج، حمل‌ونقل، پرداخت‌ها به طوایف، حل‌وفصل











## آیت‌الله رئیس: اقتدار بدون عدالت در صراط مستقیم قرار نمی‌گیرد

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه بر لزوم سلامت همکاران دستگاه قضا تأکید کرد و گفت: سلامت قوه قضائیه تضمین کننده سلامت تصمیمات آراء و احکام قضایی است و خدشه در این امر به همه تصمیمات نظام قضایی آسیب می‌زند.
به تازمه پدیدار شدن ریشمی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه با شوری قضایی‌استان‌ها که به طور ارتباط تصویری برگزار شد،علم و ادب را امری مهم برای کسانی که در جایگاه قضا گرفته‌اند ، دانست و افزود: شرط قضاوت عادلانه، آراستگی به دانش و ادب استست و قضاات ما هم باید از دانش برخوردار باشند و انجام آداب را مورد نظر داشته باشند.

وی تشخیص موضوع، تشخیص حکم، تناسب حکم و موضوع و اراده پولادین برای تصمیم‌گیری و صدور حکم مبتنی بر مبنای را مورد مهم دانست و از علم ، ادب و تقوی به عنوان لوازم امری نیاز برای این کار یاد کرد.
رئیس قوه‌قضائیه با اشاره به بیانات اخیر رهبر معظم انقلاب بر بدار با نمایندگان مجلس خبر کار رهبری از لزوم وارد کردن تفاهیم بلند اسلحی به عرصه عمل و زندگی اجتماعی سخن گفت و اظهار داشت: زنده حشرت امام (ره) این بود که مفاهیم دینی را وارد عرصه زندگی انسان امروز کردند.

رئیس‌الوزراء توجه به ادب القضاء از مهمترین مسائلی فقهی و برخی مسائل در این حوزه از واجبات و فرائض امر قضا به حساب می‌آید.یکی از آفات امر قضا آمیخته کردن قضاوت با هواهای نفسانی است و قضاات ما باید به پرهیز از این مساله توجه ویژه داشته باشند.

رئیسینی از توجه به کرامت انسانی که از محوری‌ترین برنامه‌های اسمال است به عنوان جلوه‌ای از ادب مع الناس یاد کرد و گفت: همه همکاران مرتبط با مجموعه قضا باید به کرامت انسانی توجه ویژه داشته باشند. همچنین یکی از مسائل مهم در حفظ کرامت انسانی ارباب رجوع به دستگاه عدلیه ، شنیدن سخنان کسانی است که برای دادخواهی و احقاق حق به قاضی مراجعه می‌کنند .

رئیس تشخیص درستست موضوع و صدور حکم بر اساس قوانین قانونی ، شرعی و اجرائی حق و عدالت را از دیگر جلوه‌های حفظ کرامت انسان و کرامت مردم و گفت: فردی که می‌خواهد عادلانه داری کند خودش باید متخلق به عدالت باشد.

رئیسینی اجرای عدالت را از محورهای مهم در پبانه ابلاغی مقام معظم رهبری در کام دوم انقلاب اسلامی و آن را مربوط به همه شئون حکومتی و دستگاه ها دانستو تأکید کرد: اقتدار بدون عدالت هرگز در صراط مستقیم قرار نمی‌گیرد و قدرتمندی بدون رعایت عدالت فقط نوعی قدرت نمایی است. امروز می‌بینیم آمریکایی‌ها که ادعای حقوq بشر دارند، حقوق

تکریم پیکر شهید امیر خلبان بیک محمدی در پایگاه هوایی همدان گرفت.



سرویس خبر: پیکر مظهر شهید خلبان تازه تفحص شده امیر خلبان بیرجند بیک محمدی، با حضور مسئولان لشکری و

جمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مؤسسه خدمات بهداشتی درمانی محب حضرت فاطمه(س) (بیمارستان محب کور) به شماره ثبت ۲۸۱۵۹ و شناسه ملی ۰۵۹۱۲۳۶-۳۳۶ در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ در محل قانونی مستقر واقع در تهران، خلبان سپیدجلال الدین آمدادی، خلبان ۹۹۱۱۲۳۶-۱ خلبان شهید فرهادی،مرح، بیمارستان محب کور تشکیل می‌گردد که در آنجا شش‌گانه یانمایندهگان قانونی و نمایانین خلبانان سپیدساز شرکت دعوت می‌گردد تا در دست داشتن معرفی‌نامه در جلسه مورخ شرت‌ک ثبت نامنماید.
**دستور جلسه:** ۱-انتخاب اعضای هیأت مدیره حقوقی ۲-انتخاب بازرس و حسابرس مستقل برای مؤسسه خدمات بهداشتی درمانی محب حضرت فاطمه(س) برای سال مالی ۱۳۹۹

۱-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۲-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۳-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۴-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره

**آگهی دعوت سهامداران از جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده شرکت گروه صنعتی یاز گانی سامان صنعت اطلس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۳۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۶۸۹۹**

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که در ساعت ۱۴هـ روز جمعه ۱۳۹۹/۱۲/۲۲ به آدرس کارخانه واقع در شرکت صنعتی نظرادان خلیبان روبرو برگزار می‌گردد حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** ۱-قرارداد بازرسی و بازرسی و تصمیم‌گیری در موردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العادی باشد.
**هیئت مدیره شرکت**

**آگهی دعوت** بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت تولیدی و صنعتی ولی وینا سهامی خاص ثبت شده به شماره ۹۹ و شناسه ملی ۱۰۰۰۴۷۰۷۱۱-۱۰۰ دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت که راس ساعت ۱۰:۰۰ صبح مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ قانونی جهت شرکت استان قزوین شهرستان قزوین، بخش مرکزی شهرقزوین، محله هشتنگان، بلوار هشتنگان، بلواراورتوری، پلاک ۱۵۰، طبقه همکف و کدپستی ۳۵۱۶۸۲۱۹۵ تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانید.

**دستور جلسه:** انتخاب اعضای هیأت مدیره انتخاب بازرس اصلی و علی البدل سابر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده باشد.

**آگهی مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده (نوبت اول) شرکت جهاد نصر حمزه (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۵۵۴۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۴۴۴۴۴**

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت با نمایندگنان و وکلای قانونی آنها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده که در روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ در ساعت ۱۵:۰۰ در محل تهران - خیابان مطهری - خیابان میرعماد - کوچه پازدهم - پلاک ۳۳ -شرکت جهاد نصر حمزه -مسالان اجتماعات به کد پستی ۱۵۸۷۲۸۲۱۱ تشکیل خواهد شد، حضور به هم رسانند. در ضمن برگ ورود به جلسه با ارائه مدرک شناسایی معتبر یا معرفی‌نامه کتبی، قبل از تشکیل مجمع در محل مذکور ارائه می‌شود. همچنین به سهامداران محترم، یانمایندهگان یا وکلای قانونی آنان اعلام می‌گردد که زمان آراء هر گونه و کالت باید برگ نامنماید که به امور سهام شرکت جهاد نصر حمزه تا مورخ ۹۹/۱۲/۱۹ می‌باشد و بعد از آن مورد پذیرش نخواهد بود.

**دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده:** ۱-انتخاب گزارش عملکرد هیئت مدیره مورخ به سال مالی منتهی به ۹۸/۱۲/۲۹

۲-بررسی و تصویب گزارشنامه و صورت‌های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۹۸/۱۲/۲۹

۳-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۴-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره

**آگهی دعوت از سهامداران از جهت تشکیل مجمع عمومی فوق العاده شرکت گروه صنعتی یاز گانی سامان صنعت اطلس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۳۱۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۳۶۸۹۹**

ملتها را با پایمال می‌کنند و صرفاً نمایش قدرت می‌دهند. آنها در سورهه مراکز مقاومت را می‌زنند اما از آن طرف پرونده خاتمی‌چرا را مطرح می‌کنند و از سعودی‌ها هم یاج می‌گیرند اما از سسوی دیگر مدعی اجرای عدالت هستند در حالی که تاکنون دیده نشده است آنها عدالت را اجرا کنند.

وای تأکید کرد: آنها حق را زیر پا می‌گذارند و عدالت را لگدمال در مردم حق خواه را سرکوب می‌کنند اما مدعی حقوق بشر هستند در حالی که مردم دنیا به خوبی آنها را می‌شناسند دیگر فریشتان را نمی‌خورند و می‌دانند که آمریکایی‌ها تضییع کنندند حق و پیمان‌ها شکنند.

رئیسینی قوه قضائیه تبیین تصمیمات قضایی را از دیگر ندهادهای حفظ کرامت انسان دانست و گفت: ادله قطعیه و امارات قضائیه از دلایل مهم برای صدور احکام و آرای مبتنی بر شرع و قانون است که باید به آنها توجه ویژه داشت.همچنین استفاده از نظرات مشورتی، کارشناسان و متخصصان از مسائل مهم است؛ مراجعه قاضی به کارشناسان و متخصص و مشاوره با افراد آگاه و صاحب تجربه، خلاف استقلال قضائیت نیست و در صدور رای متغن تأثیر بسزایی دارد.

وی ادامه داد: نقض آرای بدوی در مراحل عالی نشسان از اشکال شکلی و محتوایی در روند دادرسی دارد و باید به حداقل برگسد .

قاضی اسامی زندانیان خود را مرور کند

رئیسینی در بخش دیگری از سخنانش بر لزوم پایش و غربالگری زندانیان تأکید کرد و گفت: قاضی هر روز باید اسم افرادی که در حبس قرار دارند به طور مستمر مرور کند و ببیند که آیا این افراد همچنان مستحق حبس هستند یا امکان آزادی آن‌ ها وجود دارد.

رئیسینی قوه قضائیه بر لزوم پیگیری جدی تصمیمات و اجرای دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها تأکید کرد و گفت: شرح نشست با مسئولان شورای قضایی استان‌ها با پیگیری مطالب گفته شده است. دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌ها اگر اجرا شود ثواب هم دارد اما صدور آنها صرفا برای ثواب و از قرار دادن در پوشه‌ها نیست بلکه برای پیگیری و اجراء.اثر بسیاری از دستورالعمل‌ها و سیاستگذاری‌ها در اجرا ظاهر می‌شود و باید با همه وجود آن‌ را پیگیری کرد. در کشور برنامه‌های خوبی نوشته می‌شود و حرف‌های خوبی هم زده می‌شود اما برخی از آن‌ ها در کتابخانه‌ها بایگانی می‌شود و اتفاقی در میدان عمل انداخته می‌شود.

وی در این‌دسته گفت: در حوزه کاهش ورودی پرونده‌ها به دادگستری‌ها توفیقات خوبی حاصل شده که قابل تقدیر است اما نباید به این میزان قانع شویم و باید تلاش‌هایمان را مضاعف کنیم. همچنین توجه به مساله زندانیان در یک سال

قرار است پیکر این خلبان سرفراز کشورمان در پایگاه هوایی تبریز هم تکریم و تشییع و پس از آن به مشهد مقدس منتقل شود و مراسم دیدار خانواده اش با پیکر مظهر این شهید و اقامه مراسم حضرت ثامن‌الاعظم، و امام شریار(ع) انجام شود و پس از طواف حرم رضوی، در روز ۱۹ اسفند بهمدین سار و سالروز شهادت امام موسی کاظم (ع) در قطعه ۵ شهیدت زهرا به خاک سپرده شود.

پیکر این شهید پیش از این در پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان مورد استقبال فرماندهان و خلبانان این پایگاه قرار گرفته بود.

قرار است پیکر این خلبان سرفراز کشورمان در پایگاه هوایی تبریز هم تکریم و تشییع و پس از آن به مشهد مقدس منتقل شود و مراسم دیدار خانواده اش با پیکر مظهر این شهید و اقامه مراسم حضرت ثامن‌الاعظم، و امام شریار(ع) انجام شود و پس از طواف حرم رضوی، در روز ۱۹ اسفند بهمدین سار و سالروز شهادت امام موسی کاظم (ع) در قطعه ۵ شهیدت زهرا به خاک سپرده شود.

پیکر این شهید پیش از این در پایگاه هوایی شهید بابایی اصفهان مورد استقبال فرماندهان و خلبانان این پایگاه قرار گرفته بود.

**آگهی دعوت سهامداران شرکت گل افشان آرایش (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۱۰۱۹۴۴ و شناسه ملی ۱۰۱۵۲۱۴۸۲**
**ایرانی تشکیل مجمع عمومی فوق العاده بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت با نمایندگنان قانونی آنها دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت که در ساعت ۱۵:۰۰ بعد از ظهر مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ در محل تهران - خیابان میرآباییان ایران زمین شمالی خیابان شکوفه دم ۱۶ متر اول کوچه شکوفه سوک پلاک ۲ طبقه ۲- واحد ۱۰ برگزار خواهد شد، حضور به هم رسانند.**
**دستور جلسه:** ۱-تصمیم‌گیری در خصوص افزایش سرمایه شرکت ۲-بحث و بررسی و تصمیم‌گیری در موردی که در صلاحیت مجمع عادی به‌طور فوق العاده می‌باشد.

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شمار ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** -اصلاح ماده اساسنامه (کاهش تعداد اعضای هیات مدیره)

**هیئت مدیره شرکت**

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** -اصلاح ماده اساسنامه (کاهش تعداد اعضای هیات مدیره)

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** -انتخاب گزارش عملکرد هیئت مدیره و بازرس هیئت مدیره و حسابرس و حسابرسی و تصویب تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۳-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۴-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۵-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۶-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۷-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۸-بررسی و تصویب تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۹-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۱۰-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره

**دستور جلسه:** ۱-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۲-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۳-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۴-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** -اصلاح ماده اساسنامه (کاهش تعداد اعضای هیات مدیره)

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** -انتخاب گزارش عملکرد هیئت مدیره و بازرس هیئت مدیره و حسابرس و حسابرسی و تصویب تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۳-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۴-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۵-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۶-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۷-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۸-بررسی و تصویب تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۹-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۱۰-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره

**دستور جلسه:** ۱-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۲-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۳-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۴-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** ۱-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۲-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۳-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۴-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

## آیت‌الله رئیس: اقتدار بدون عدالت در صراط مستقیم قرار نمی‌گیرد

گذشته مورد اهتمام جدی قرار گرفته است که در این زمینه باید گام‌های برتر و بهتری برداشته شود.

ضرورت حمایت از مصرف‌کننده

رئیس قوه قضائیه همچنین گفت: توجه به حقوق عامه



نیاید حالت شکلی داشته باشد. روز یکشنبه در تقویم رسمی کشور روز حمایت از حقوق مصرف‌کننده بوده ، اما آیا حمایت از مصرف‌کننده در بازار هم اتفاق افتاده است؟ باید با اتخاذ ساز و کارهای مناسب ، حمایت از حقوق عامه و حقوق شهروندی با جدیت بیشتری صورت گیرد.

رئیس مستنگاه قضا گفت: یکی از مسائل محوری در حقوق عامه حفظ منابع طبیعی و ذخایر ملی است که بخشی از پرونده‌های محوقه را هم تشکیل می‌دهد .

قضایی باید به قضاتی که مأمور رسیدگی به پرونده‌های پیچیده در حوزه منابع طبیعی هستند در تشخیص موضوع کمک کنند تا این پرونده‌ها هر چه سریعتر تعیین تکلیف شود. وی نظرات بر کار ضابطان قضایی را هم مورد تأکید قرار داد و گفت: به ضابطان حتما باید آموزش داده شود و بر کارشان نظارت و گزارشات آنها بررسی و نواقص به ضابطان گزارش شود.ارتباط همکاران قضایی با ضابطان عام و خاص نباید به رابطه صرف اداری باشد.

وی بر مساله آموزش تخصصی به قضاات هم تأکید کرد و ادامه داد: قضاات باید در کنار دانش حقوقی به مسائل روز همچون مباحث مربوط به تجارت، بیمه، امور بانکی و مالی،

اعدام عاملان حمله مسلحانه به

کلاتری کوی مجاهد اهواز

سرویس خبر: حکم اعدام عاملان حمله مسلحانه به کلاتری کوی مجاهد اهواز و شهادت ۲ مامور ناجا انجام شد.
۲۵ اردیبهشت ماه سال ۹۶ افرادی به گزارش تسنیم از اهواز، بمبارد روز ۲۵ اردیبهشت ماه سال ۹۶ افرادی مسلح یک خودرو سرنش پزو ۴۰۵ به کلاتری ۲۲ کوی مجاهد اهواز هجوم بردند.
آن‌ها با ابتدا نگاهبان کلاتری را با شلیک گلوله مجروح کردند و سپس وارد این محل شدند.

آنها به محض ورود به داخل مقر انتظامی اقدام به تیر اندازی به سمت ماموران کردند و پس از به رگبار بستن ماموران انتظامی، با تهدید یا متل متواری شدند.
در این اقدام تروریستی، گروهی یکم عزیزیان بهمنی و سرحل سوم علی بخش حسوند به علت اصابت گلوله به سر به شهادت رسیدند.

همچنین سرباز حسین ابوالوهد و گروهی یکم مسلم یادگاری در این حمله تروریستی مجروح شدند.

تروریست‌ها ساعاتی بعد از جایت، دستگیر و مراحل قانونی پرونده آنها بالاقله‌ها آغاز شد.
پس از برگزاری جلسات دادرسی، اعدام اقدام به صدور رای کرد.
بر اساس رای دادگاه، متهمان ناصر خفاجیان زاده، حسین سیلاری اصل و علی خسرچی عطایی به اعدام محکوم شدند که در نهایت شعبه رسیدگی کننده دیوان عالی کشور، رای دادگاه بدوی را تأیید کرد.

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده بیمارستان تهران شرکت سهامی خاص به شماره ۱۰۱۰۴۲۸۴۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۲۸۴۴۵**

بدینوسیله از کلیه سهامداران و یانمایندهگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۵:۰۰ بعد از ظهر مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۵ در محل تهران - خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** ۱-تصمیم‌گیری در خصوص افزایش سرمایه شرکت ۲-بحث و بررسی و تصمیم‌گیری در موردی که در صلاحیت مجمع عادی به‌طور فوق العاده می‌باشد.

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شمار ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** -اصلاح ماده اساسنامه (کاهش تعداد اعضای هیات مدیره)

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** -انتخاب گزارش عملکرد هیئت مدیره و بازرس هیئت مدیره و حسابرس و حسابرسی و تصویب تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۳-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۴-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۵-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۶-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۷-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۸-بررسی و تصویب تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۹-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۱۰-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره

**دستور جلسه:** ۱-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۲-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۳-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۴-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** -انتخاب گزارش عملکرد هیئت مدیره و بازرس هیئت مدیره و حسابرس و حسابرسی و تصویب تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۳-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۴-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۵-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۶-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۷-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۸-بررسی و تصویب تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۹-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره ۱۰-تصویب جوده پیشتیانی هیات مدیره

**دستور جلسه:** ۱-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۲-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۳-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۴-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره

**آگهی دعوت شرکت راهبرد توسعه طرح (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۴۷۹۹۷**

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام یانمایندهگان یا وکلای آنها در شرکت راهبرد توسعه طرح(سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۰۶۱۶۳ دعوت می‌گردد تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۳ در محل دفتر مرکزی به آدرس تهران، خیابان شهید کلاهدوز دولت سابق) خیابان اختاربه جنوبی، نبش خیابان شهید خاندو، پلاک ۶۴ جدید (پلاک ۲۱۱ قدیم)، واحد ۷ کد پستی ۱۹۵۸۶۵۵۱۴ برگزار می‌گردد، حضور بهم رسانند.

**دستور جلسه:** ۱-تصمیم‌گیری در خصوص تعیین حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۲-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۳-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره ۴-تصمیم‌گیری در خصوص حق حضور و یا دانش اعضای هیئت مدیره

















ضمیمه ادبی هفتی روزنامه اطلاعات  
سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۹۹ - سال نود و پنجم - شماره ۲۷۷۸۹

تأملی در یکی از درس های زندگی در ادبیات  
**امید در ایستگاه ریل های خسته**





۶۲

گنجینه آشنا

دکتر حسین الهی قمشه‌ای

## پایان سخن

در پایان بسیاری از قطعات، یادداشت‌های کوتاه و بلندی برای روشننگری آورده‌ایم و چه بسیار که به بیان اعجاب و ستایش خود از لطف و زیبایی اشعار بسنده کردیم و بیشتر تلاش ما بر این بوده است که دل‌ها را در حلقه گیسوی این شاهدان شعر در بند آوریم.

دو قطعه آغاز و پایان را در یک حال و هوا نهادیم و عجب نیست از آنکه روز پایان هر سال در کنار روز نخستین سال بعد است.

\* از ترانه‌هایی که شهره خاص و عام شده‌اند، به میزان اندک در کنار شعرها درج کردیم و آنها را که به سبک و سیاق شعر سنتی نزدیک‌تر است برگزیدیم.

\* از شاعران سنتی معاصر، خاصه آنان که در قید حیاتند، در این مجموعه شعری جز به ندرت نیاوردیم و انتخاب آنها را به ذوق آیندگان واگذاشتیم و شعرهای شیوه نو را نیز با این مجموعه هماهنگ نیافتیم و خوانندگان مشتاق را به گزیده‌های بسیاری که از این شیوه شعر به بازار فرهنگ عرضه شده و از جمله به مجموعه‌های مشتمل بر سیصد قطعه شعر نو و سنتی از معاصران که به همت ناشر کتاب حاضر به طبع رسیده، دعوت می‌کنیم. و کوتاه کنیم قصه که عمرت دراز باد.

\*\*\*

سپاس آفریدگار جهان را که بدین مسکین پارسی گو توفیق داد تا در عین درویشی، مهمانی شاهانه‌ای در قلمرو زرین ادبیات پارسی بر پا کند و شیخ و شاب و عارف و عامی را به تالاری فراخواند که:

شعاع جام و قدح نور ما پوشیده

عذار مغ بچگان راه آفتاب زده

«حافظ»

و سپاس بر همکاران دفتر مؤسسه فرهنگی هنری الهی قمشه‌ای که به صرف عشق و ارادت به آستان شعر، ما را در این مقصود مسعود یاری کردند. در این دفتر از مجموعه «جوانان و فرهنگ جهانی» سپاس خاص بر بانوی فرهنگ‌دوست «کتایون زکریا» ست که این دفتر را قدم به قدم چون فرزند خویش خدمت کردند تا همانند سرو آراسته و پیراسته گردد و نیز بر دانشجوی فرهنگ‌خوی، خانم مرضیه نشاط که سراسر این دفتر را در تصحیح و پیرایش و نکته‌سنجی‌های سودمند یار و غمخوار بودند.

اما در کار طبع و نشر کتاب سپاس ما بر ناشر فرهنگ‌دوست، علی‌اصغر علمی است که در اقتضای پدران کتاب‌پرور خویش، انتشارات سخن را بنیاد نهاد و اکنون با همت بلند و مدیریت ارجمند ایشان، هر یک روز کتاب تازه‌ای به محافل کتاب‌دوستان عرضه می‌شود و این مجموعه فرهنگ جهانی نیز، که اکنون پنجمین دفتر آن به مشتاقان ادب و فرهنگ پارسی عرضه می‌شود، از اثرات همت ایشان و همکاران‌شان است و نیز سپاس و قدردانی خاص بر محرر ماهر و صفحه‌آرای خوش طبع و فاضل، عباس آقاجانی است که با پیگیری خستگی‌ناپذیر و شکیبایی و بردباری، اصلاح تغییرات مکرر و تبدیلات فراوان متن را پذیرا شدند و این کتاب را مانند دفترهای چهارگانه پیشین، مطبوع و خوش‌آهنگ آراستند. و سلام بر شاعران بهشت آفرین باد

حسین محی‌الدین الهی قمشه‌ای

پاییز ۱۳۹۲ - تهران

تأملی در یکی از درس‌های زندگی در ادبیات



• شاهرخ تندرو صالح

## امید در ایستگاه ریل‌های خسته

- ماسک ندارم!

- مگر سلامتی ت برات مهم نیست؟

- مهمه، ولی نمی‌تونم روزی هزار تومن بدم واسه یه تیکه پارچه!

اینها مکالمه ای تند و گذرا بین دو سه نفر از مسافران خط مقصد ماست.

یکی از مسافران، با نگاه معنا دارش، دنبال این بود که دیگران را با خود در تاختن به پیرمرد همراه کند. پیرمرد بی آنکه در پی پاسخ دادن به مسافران باشد، پرسید:

- ایستگاه اتوبوس کجاس؟

او که پیرمرد را طعنه باران کرده بود گفت:

- اتوبوس بدون ماسک، کسی رو سوار نمی‌کنه!

یک جورهایی همه ما در پی این هستیم که فرصت خالی کردن دق دلی هامان را در هوا بقاییم. توی دور برگردان اول میدان هشتم، می‌رفتیم که پیرمرد را دیدم که گونی‌اش را این‌شانه به آن‌شانه کرد و نشست گوشه‌ای و شروع به سرفه کرد. پیرمرد خون بالا می‌آورد. کسی به او نزدیک نمی‌شد. جهش کرونا! سبقت گرفتن آدم‌های تر و تمیز از یکدیگر. میزهای شیک ضد عفونی شده و خدمتکاران آماده به خدمت در ورودی رستوران‌های خیابان‌های سرد شهر!

اینها تصاویری تندگذر از زندگی این روزها در خیابان‌های سرد شهر است. آی آدم‌ها، آی همشهریان، در این خیابان‌ها، در این ساعات بی‌خیال، زندگی را چطور می‌بینید؟ این زندگی، این حال و هوا، چه مزه ای دارد؟ می‌توانید مزه این

زندگی را برای خودتان تعریف کنید؟ داریم کجا می‌رویم؟ این زندگی چهار صبح تا نه شب، این زندگی، همان دفتر سپید ورق خورده ای است که روزی، دیر یا زود، تبدیل به یک سنگ می‌شود؛ سنگ قبر یک آدم!

اگر درخود اندکی رحم و مروت سراغ داریم، اگر به چیزی به نام حس زندگی برای

دیگری اعتقاد داریم، اگر می‌توانیم تخیل کنیم که آدم، ترکیبی از آه و دم است؛ شاید بد نباشد که کمی مهربانی، چاشنی نفس کشیدن خودمان کنیم. هیچ خرجی ندارد. هزینه ای ندارد. تنها نیاز به یک جو همت دارد. آنگاه که جلو آینه می‌ایستیم تا خودمان را برای حضور در جامعه آماده و آراسته کنیم، بپرسیم از خودمان که: آیا برای مهربان بودن، آماده هستی...؟ مهربان باش!

آنچه خود داشت...

این روزها همه‌اش درگیر این پرسش هستم که بزرگترین ضرر و زیانی که در زندگی به من رسیده، از چه ناحیه ای است؟ می‌ایستم و مرور می‌کنم: نخستین ضرر که در کارنامه زندگی‌ام ثبت شده، تلف کردن عمر عزیز در لابه‌لای کتاب‌هایی است که هر کدام، عمری از یک انسان بلندپرواز و شریف را در خود چال کرده است. وقتی به کتاب‌های کتابخانه نگاه می‌کنم می‌گویم: اینها همه حاصل درک ضرر و زیان‌های زندگی هستند. اما آیا چنین تصویری، درست و واقع بینانه است؟

آخرین ضرر و زیانی که در کارنامه زندگی‌ام به آن رسیده‌ام، قهر کردن با امید بود. کرونا باعث و بانی آن است. بدبینی و اوقات تلخی و حاضر جوابی! آه که چه سرمایه‌هایی، از چه انسان‌هایی، تلف شده این ویروس مهلک و بی‌وجدان است! مدل‌های جهش یافته و دیگر مدل‌هایی که در راه‌اند. این ویروس دیگر جایی برای خیال و خیال‌پردازی نگذاشته و تا دل‌تان بخواهد، حس‌های خوب و عمیق انسانی‌ما، در حال نفله شدن هستند. از خودم می‌پرسم: هی فلانی! بهتر نیست کمی از وحشت و وسوسه‌های بهداشتی را با حفظ فاصله‌های مطمئن، صرف این کنی که زندگی در تلخ‌ترین لحظات، نویدبخش امید است و این امید، حالا چشم به راه توست؟

نشسته‌ام توی ایستگاه مترو. سرگرم ورق زدن کتاب امید هستم. مسعود شیرپچه، مترجم صمیمی و شریف، ترجمه سلیس و مهربان این کتاب را به ما هدیه داده است. از خودم می‌پرسم: این دوست مترجم‌ما، به چه نبیتی این کتاب را ترجمه کرده است؟ هنوز به پایان جمله نرسیده‌ام که پیرمرد گونی بر دوش را می‌بینم. ماسک زده و می‌پرسد: آخرین قطار کی می‌آید...؟

## درنگ ادب:

داشتم به امید فکر می‌کردم. به این کلمه چهار حرفی. از کجا آمده این کلمه؟ چه جوری جای خودش را در زندگی میان همه‌ها و شلوغی‌ها باز می‌کند؟ چطوری در دل آدم‌ها خیال آفرینی می‌کند؟ صدها فکر رنگارنگ از این کلمه، آمدند و رفتند. به دید و نشست‌هایی فکر می‌کنم که همه در پی بر آمدن یک جرعه امید اتفاق افتادند. به بی‌رحمی کسانی که پشت میزهای هر روزه سنگ دارند و امید را در دل‌های دیگران سلاخی می‌کنند! چه لذتی دارد این کشتن امید در دل و جان دیگران...؟

از خودم می‌پرسم: چرا به این عقوبت دچار آمده‌ایم؟ کی ما را مجبور می‌کند که دیگری را به مسیری بیندازیم که نمی‌خواهد؟ چه اجباری هست وقتی نمی‌توانیم به کسی کمک کنیم، او را دچار زحمت و بیش زحمتی کنیم؟ خوب که نگاه می‌کنم، می‌بینم کشتن امید، از همین امید دادن به دیگری شروع می‌شود! خوب که نگاه می‌کنم، می‌بینم که چه بسیار امیدها که در جان دیگران کاشته‌ایم و بسا کسان که سرگردان امیدهای بیهوده، با ناامیدی، سردرگریان مانده‌اند.

گذری دارم بر حکایت این واژه چهار حرفی در روزها، ماه‌ها و سال‌های مرده. از رویارویی‌ام با فرشته غریبه با این خیال در به در، در رایحه‌های جو‌رواجور ضد عفونی‌کننده‌های مد روز!

## آی آدم‌ها! آی آدم‌ها!

این پرسشی کنایه آمیز است که دهان به دهان در بین نسل نوجوان و جوان می‌گردد. قهقهه پاسخ نخست به این پرسش است. کجای کار هستیم؟ برای چه تلاش می‌کنیم؟ زندگی با فریاض و غرایز، چه بر سر ما آورده است؟ کجا کم آورده‌ایم؟ آیا حواس مان هست که داریم چه می‌کنیم؟

یکی از درس‌های زندگی در ادبیات، دقیق شدن در واقعیت‌های زندگی برای یافتن رؤیاهایی است که می‌تواند شالوده یک زندگی بهتر باشد. تخیل همراه با تصاویری که جان آدم را خوش می‌کند؛ از جمله یافته‌ها و کشفیات ادبیات است. زندگی ایران امروز، بیش از هر زمان، نیازمند ادب و فرهنگ و مدار و این جور حس‌های خوب است؛ اما جدال برای تلنبار کردن هر چه بیشتر پول، سبقت گرفتن برای رسیدن به یک ایستگاه استغناء، تنه زدن به یکدیگر برای زودتر رسیدن و دودیدن و دودیدن، افسانه‌ای بود که اکنون واقعیت زندگی تک‌تک ما را در خود گرفته است. چه کنیم؟ آیا زندگی همین است؟ آیا کلماتی که آوازهای جادویی ادب را آفرینند، از دل این نوع زندگی بیرون آمدند؟

ادبیات، حس امن‌ترین تکیه‌گاه در سرزمین زلزله‌های ویرانگر است. ادبیات، امن‌ترین ساحل در دریاهایی است که توفان و رگبار امواج مرگ، در آن به دنبال شکار زندگی هستند. ادبیات، کمانه روح آدمی در غروبگاه مه آلود ویرانی است. چه کسی گفته است تا ویران نشوی نمی‌توانی آباد باشی؟!

وقت آن است تاهر کس به سهم خودش، به اندازه دانش درون خودش، به اندازه نسبتش با شعر و شعور و شرافت و نجابت، برای نجات دادن زندگی خودش از دست وسوسه‌ها، از دست تخیلات ناهنگام و نارس و غرور، و از دست نفرت و نخوت و چشم و هم‌چشمی و یکدندگی بهراند. ما همه غرق شدگان این توفان‌های مرگباریم. نیمایوشیج، آن پیرمرد بوش، چه می‌کشید از روز و روزگار خودش که در حق حق فروخورده اش سروده بود:

آی آدم‌ها!

آی آدم‌ها که بر ساحل بساط دلگشا دارید

یک نفر در آب دارد می‌کند بیهوده جان قربان

یک نفر دارد که دست و پای دائم می‌زند

روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید!

آی آدم‌ها!...

یا:

خدایا!

به کجای این شب تیره بیاویزم قبابی ژنده خود را؟

## در خیابان‌های سرد شهر...

بخشی از زندگی‌ام روزی تک‌تک ما، در شلوغی‌های بیهوده، در قهقهه‌های مرگ و کرونا سپری می‌شود. ایستاده‌ام توی ایستگاه تاکسی تا ماشین‌های خطی برسند و سوار شویم و برویم برسیم به بقیه زندگی‌مان. پیرمردی لنگ لنگان، با یک پلاستیک بزرگ در یک دست و گونی بزرگی برشانه، رسیده و می‌ایستد. ماسک ندارد. مسافران انوری و آنوری، با نگاهی معنادار، از او فاصله می‌گیرند.

- واسه چی ماسک نزدی پیرمرد؟







دلنوشته های آهان آهان دار

محبوب صالح علا

۱۵۲

## امان از آن روزی که می روید!

**محبوب من!** امان از آن روز که می روید. همه فصول هم از اینجا می روند. دیگر نه گل ها باز می شوند، نه انگورها می رسند. نه خورشید طلوع می کند، نه برف می بارد، نه درختان برهنه می شوند.

**محبوب من!** من که نمی دانم کجا می روید. چگونه می روید؟ با این وجود، سراسیمه می روم پرگوش قطارها به التماس می گویم لطفاً مراقب باشید از روی خطوط خودتان منحرف نشوید. به کشتی ها سفارش می کنم از دریاهای طوفانی نروید. به ماشین ها سفارش می کنم تصادف نکنند. ای فدای مسافر نازنین تان!



**محبوب من!** امان از آن روزی که شما می روید. دنیا شبیه یک روز پیش از خلقت عالم است. شما می روید، هستی تعطیل می شود. تا که دوباره بیاید و همه فصول آغاز شوند. من هم یکسره دور آن متروبی می گردم که شما سوار شده اید.

**محبوب من!** سال های جوانی، دوستانی داشتم که به جای من گریه می کردند، اما امروز دیگر کسی را ندارم که به جای من گریه کند. من خودم با هزار پرند قدم می زنم و به جای خودم گریه می کنم. یادش به خیر، آن سال ها که از سرنوشت باهوش تر بودم. این سال ها سرنوشت مرا گمراه کرده است.

**محبوب من!** آن سال ها را به یاد دارید؟ باهم، شانه به شانه اردیبهشت قدم می زدیم. من خودم را پشت غارگارکلاغ ها پنهان می کردم تا شما را درغیاب خودم تماشا کنم.

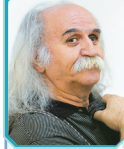
**محبوب من!** حالا چه روزگاری شده.... چه روزگاری! چای تلخ به ما، قند به این و آن دهد.

**محبوب من!** امان از دست خواجه عبدالله انصاری! می گوید بگو که اگر کاسنی تلخ است، از بوستان است، و اگر محمد مجرم است، از دوستان است. می گوید بگو اگر تو را باید، محمد آن کند که شاید.

**محبوب من!** می گوید بگو شما را می جستم، خودم را یافتم.

**محبوب من!** یک وقت هم خودم را می جستم، شما را یافتم.

**محبوب من!** ادرکنی، الغوث، الغوث، الغوث، که دیگر طاقتی نمانده است.



• حسن فرازمند

واکاوی سرنوشت واقعی رادیو ایران - ۷۰

## آشنایی با يك کارگردان شاعر و ترانه سرا

را به یک ترانه محلی تبدیل کرده است. به ویژه عهد بستن در شاهچراغ که جزو ناگسستگی ترین عهدهای مردم فارس بوده و حکایت های زیادی از عهدهای بسته شده در آستانه حضرت شاهچراغ بر سر زبان هاست. از جمله عهدهای که نادرشاه افشار بسته است.

آن طور که مورخان نوشته اند: «سال ۹۱۲ هجری قمری، شاه اسماعیل صفوی، بازسازی بزرگی بر این مقبره انجام داد و این موضوع در حالیست که نزدیک به ۸۵ سال پس از آن زلزله ای در سال ۹۹۷ تا حد زیادی به گنبد آسیب رسانید که این زلزله به بازسازی مجدد منتج شد. بازسازی و ساخت مجدد و بهتر کردن ساخت این مقبره در سال ۱۱۴۲ هجری قمری به دست نادرشاه افشار اتفاق افتاد. نادرشاه عهد بسته بود که در صورت پیروزی بر افغان ها و دستیابی به شیراز، اقدام به بازسازی شاه چراغ نماید. بنابراین پس از این پیروزی معادل ۱۵۰۰ تومان را برای این کار کنار گذاشت. او گفته بود که یک قندیل بسیار بزرگ در زیر گنبد آویزان کنند که وزن آن ۷۲۰ مثقال بوده و از طلا و زنجیری از جنس نقره تولید شده بود. متأسفانه طی زلزله ای مجدد در سال ۱۲۳۹ هجری قمری به شیراز و همچنین شاه چراغ آسیب فراوان زده شد.»

یکی از افرادی که این زلزله را با چشمان خود دیده است، نویسنده کتاب تذکره دلگشا است. او می گوید: «گنبد بقعه شاهچراغ که از غایت ارتفاع، آفتاب جهان تاب هر روز در نیم روز خود را در سایه آن کشیدی، به یک دفعه چنان بر زمین خورد که زمین شکافته و در اعماق خاک فرو رفت... و آن عمارات عالی... تو گویی همیشه ویران بود...»

در نتیجه این زلزله شدید، قندیل شاه چراغ را فروختند تا از طریق پول آن شاه چراغ را بازسازی مجدد نمایند.

### سرکتنل - پای کتنل

اما در ترانه مستم مستم که در فیلم سرخو جبار پخش شد، هیچ اثری از این مضامین گنجانده شده، وجود نداشت و فقط از ملودی و نوع خوانش این ترانه محلی در این فیلم بهره گرفته شده بود. ترانه ای که در فیلم خوانده شد، به این شرح است:

سر کتنل پای کتنل پای کتنل  
گرد و غبار گرد و غبار  
میون گرد و غبار گرد و غبار  
هفت تا سواره هفت تا سواره  
هفت تا سوار از شیراز همه گرد و تیر انداز  
هفت تا سوار از شیراز همه گرد و تیر انداز  
آی خدا بالا سری بالا سری  
نذار بمیرم نذار بمیرم  
ته که با برنو کوتاه، برنو کوتاه  
تقاص بگیرم تقاص بگیرم  
برنو برنو برنو حرکت اول باز از نو  
برنو برنو برنو حرکت اول باز از نو

آن طور که در شناسنامه این فیلم ذکر شده، این ترانه جدید روی آن ترانه قدیمی فولکلور شیرازی توسط «امان منطقی»، کارگردان فیلم سرخو جبار سروده شده است. او کارگردان، نویسنده، ترانه سرا و شاعر ایرانی فارغ التحصیل دانشکده افسری است که فعالیت سینمایی خود را از سال ۱۳۳۶ با فیلم های مستند و تبلیغاتی آغاز کرد و در آن دوره حدود ۷۰۰ فیلم ساخت. اولین فیلم سینمایی به کارگردانی وی «غلام زاندارم» نام داشت. منبع دیگر، اولین فیلم او را «پهلوان مفرد» ذکر کرده است.

وی مدت ها به دلیل بیماری در بیمارستان بستری و تحت مراقبت بود و سرانجام در ۲۶ فروردین ۱۳۹۱ در پاریس، چشم از جهان فرو بست و در گورستان جدید شهر پوتو فرانسه به خاک سپرده شد.

او همچنین سرودن ترانه هایی چون: «غصه نخور عزیزم که زندگی قشنگه»، «وطن من» (سپهر)، «ای خدا» (دش غلام)، «انتظار و همه چیم یار» (عارف) را در کارنامه خود دارد و در فیلم های سرخو جبار و غلام زاندارم، خودش اقدام به سرودن ترانه این دو فیلم بر اساس آثار فولکلور و محلی کرد.

ادامه دارد



امان منطقی: کارگردان، شاعر و ترانه سرا

خمیرمایه و شاکله برخی از ترانه هایی که در دهه های گذشته برسر زبان ها افتادند و به اصطلاح آن روزها گل کردند، در یکسری از ترانه های محلی بود که بدون هیچ ضبط و ثبتی در گوشه و کنار تاریخ، سینه به سینه گشته و زمزمه می شد. از جمله این ترانه ها می توان به ترانه «مستم مستم» اشاره کرد که در فیلم «جبار سرخو جبار فراری» توسط استاد انوشیروان روحانی تنظیم و توسط خواننده ای به نام «عارف عارف کیا» خوانده شد. اما در این فیلم، هرگز به پیشینه این ترانه اشاره ای نشد و فقط در یکی از برنامه های تلویزیونی ویژه نوروز، انوشیروان روحانی اشاره کرد که ترانه مستم مستم، یک ترانه محلی شیرازی بوده که آن را برای فیلم، بازسازی و تنظیم کرده است.

این ترانه که با نام «مستم مستم» در استان فارس و کهگیلویه و بویراحمد شناخته می شد، در میان عشایر و روستائیان آن روزگار نیز زمزمه می شد و پا از ایران هم بیرون گذاشت و در ردیف ترانه هایی قرار گرفت که رشید بهیودف، خواننده سرشناس آذربایجانی هم با زبان ترکی باکویی، آن را اجرا کرد و در قالب صفحه منتشر ساخت.

در ایران نیز این فولکلور شیرازی را خانم پری زنگنه با همان شعر محلی اش اجرا کرد و پس از آن توسط کوروش یغمایی نیز اجرا شد. اما هیچ یک از این اجراها توفیق شهرت همگانی و فراگیر مستم مستم عارف را پیدا نکردند و علتش هم نوع تنظیم و به کارگیری سازهای کوبه ای در فواصل ملودی اصلی این ترانه بود که انوشیروان روحانی توانسته بود به این ترانه کم تحرک، پویایی و تحرکی مناسب و منطبق با فضای فیلم جبار سرخو جبار فراری (که بعدها به نام فیلم سرخو جبار معرفی شد) بدهد.

وقتی نگاهی به متن ترانه می اندازیم، آن را ترانه ای عاشقانه و اجتماعی می یابیم و حرف هایی که بین دو عاشق و معشوق رد و بدل می شود و قول و قرارهایی که آن دو با هم می گذارند، از متن آن بیرون می زند. با هم نگاهی به این ترانه می اندازیم:

گل سایه، چمن سایه، چمن تازه شکفته، تازه شکفته  
کمر تازه شکفته، تازه شکفته  
نه دسَم بِش می رسه، بش می رسه  
نه خوش میفته، نه خوش میفته  
مَسْتَم مَسْتَم مَسْتَم - تیغت بریده شَسْتَم  
مَسْتَم مَسْتَم مَسْتَم - تیغت بریده شَسْتَم  
بیا بریم قبله کوتی قبله کوتی  
، قالی کنیم فرش ، قالی کنیم فرش  
پوریای سرخ و سفید سرخ و سفید  
منقلی پُرکش، منقلی پُرکش  
مَسْتَم مَسْتَم مَسْتَم - تیغت بریده شَسْتَم  
مَسْتَم مَسْتَم مَسْتَم - تیغت بریده شَسْتَم  
بیا بریم شاهچراغ شاهچراغ  
عهدهی بیندیم عهدهی بیندیم  
هر کدوم عهد بشکنیم عهد بشکنیم  
کمر نیندیم کمر نیندیم  
مَسْتَم مَسْتَم مَسْتَم تیغت بریده شَسْتَم  
مَسْتَم مَسْتَم مَسْتَم تیغت بریده شَسْتَم

قرار گذاشتن در قبله کوتی - که می گویند عمارتی محترم در بوشهر، از دوره ساسانیان است و در محله قدیمی کوتی ها قرار دارد و در دهم مهر ۱۳۸۰ به ثبت ملی هم رسیده است) و عهد بستن در مرقد مطهر حضرت شاهچراغ که برادر بزرگ امام رضا (ع) بوده و برای مردم فارس از تقدس ویژه ای برخوردار است، از مشخصه های این ترانه محسوب می شوند و همین الفاظ، آن





فردای آن روز، نقاشی من چیز دیگری شد. نقاشی من خوب نبود. خوتر هم نشد. در مسیری دیگر افتاد. از آن پس شبیانی را بیشتر روزها می‌دیدم. با هم به دشت می‌رفتم. نقاشی می‌کردیم. حرف می‌زدیم. شبیانی شعرهایش را می‌خواند. از «نیما» می‌گفت. به زبان تازه شعر اشاره می‌کرد.

در این گشت‌و گذارها بود که درک هنری من دگرگون می‌شد. همان سال به داشکده هنرهای زیبای تهران رفتم. دوران تحولات هنری-محیطا ما بود. انجمن «خروس جنگی» پیداد می‌کرد. نو با کهنه می‌جنگید، و میان این شور و ستیزها کار من ذره ذره شکل می‌گرفت.

**زندگی نامه به شعر**

چکامه بلند «صدای پای آب»، زندگی‌نامه سپهری است به شعر. شعر، شمری بسیار زیبا، با سبک ویژه سهراب، سرشار از صور گوناگون تخیل، استعارات و اشارات دلپسند، نمایانگر ادوار مختلف زندگانی، بیانگر اندیشه‌های فلسفی –اجتماعی و عرفانی او. «صدای پای آب» یک کتاب از مجموعه «هشت کتاب» است. به سال ۱۳۴۴ برای نخستین بار در مجله «آرش» (دوره دوم – شماره سه) به چاپ رسید و میاهویی برپا کرد.

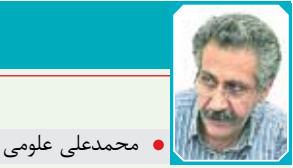
بارها و بارها تجدید چاپ شد. هر روز مشتاقان بیشتری خواستار خریدن و خواندن آن شدند. به بسیاری از زبان‌های بیگانه ترجمه شد و آوازه شهرت سهراب را همه جا پراکنده کرد. این چکامه بلند آگاه‌گر شهرت بی‌نظیر سپهری در عرصهٔ ادب و هنر شد. چکامه را کسانی با آوای نیکو خواندند و ضبط نمودند و در اختیار علاقمندان بی‌شمار آن نهادند. هر جا از آن گفتگو شد. از آن بحث و نقد و تفسیر به عمل آمد.

نویسنده‌گانی برای طنزهایشان، از سیاق این شعر پیروی کردند و با جملاتی مشابه، طبعیت نوشتند. استاد دکتر «سپروس شمسپا» در شمار نخستین کسانی بود که بر آن شرحی و تفسیری جالب نگاشت و در معرفی سهراب گامی بلند برداشت.

عنوان «صدای پای آب» در حقیقت یادآور «زندگی نامه» سهراب است. سهراب عاشق طبیعت، آب را نمای برمی و مهربانی و فروتنی می‌دانست و چنین بود که شرح زندگانی خود را صدای پای آب نامیده است که در واقع آوای خود اوست.

«صدای پای آب»، پنجمین کتاب از «هشت کتاب» سپهری است. چهار کتاب پیش از آن: «مرگ رنگ»، «زندگی خواب‌ها»، «آوار آفتاب»، «شرق اندوه»، گرچه برای اهل شعر و ادب تازگی داشت و مورد بحث و گفتگوها بود، اما به علت سبک ویژه سپهری که درک مفاهیم آن برای همگان دشوار و نامفهوم بود، درخشش شایان نیافتند.

اما کتاب صدای پای آب با جملاتی ساده‌تر و آندیشه‌های شگرف تر، به زودی بر دل‌ها نشست و جا باز کرد. بیشتر مردم، حتی مفسرین آن را به عنوان یک شعر بلند شناختند و کمتر به این معنی توجه کردند که این شعر بلند یا کتاب پنجم سپهری در واقع در زندگی نامه اوست. از آنجا که سپهری به اردگاه خود «کاشان» عشق می‌ورزید و بدین‌رو، پوسند سال پایانی عمر را در آنجا سپری کرد. در این شعر بلند، از واژه‌ها و اصطلاحات معمول در کاشان، بسیار سود برده و به کار گرفته است. و از آنجا که خود هیچ توضیحی بر آنها نداده است، پاره‌ای از واژه‌ها با ضرب‌المثل‌ها با تفسیرهای گوناگون و گاهی نادرست روپرو شده است. به طور مثال واژه «چلو» را که برنده‌ای است و من شرح آن را در بخش ویژگی‌ها «دوران کودکی –نگاشتم‌با د معانی چندی آورده‌اند. این چکامه بلند زیبا به سال ۱۳۴۴ دو سال پس از مرگ پدر در قریه چنار و در جله شوریدگی و جذبه نوشته شد و در آغاز آن دو جمله آمده است: «تثار شب‌های خاموش مادرم» ادامه دارد



از هر طرف که رفتم، جز وحشتم نغیزد
زینهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت
چه بسا در اولین نظر، مقایسه فیلم «جاده»با اشعار حافظ، عجیب جلوه کند. اما این فیلم همچون اشعار حافظ، لایه به لایه و چند وجهی است. از جمله این شباهت‌هاست: «نقد اجتماع و روابط بیمار اجتماعی و بیان آن از طریق نمونه‌های نوعی که در جامعه مصداق‌های بی‌شمار یا برعکس، کم تعداد دارند. رویکرد هستی شناسی فلسفی و عرفانی. بهره‌مندی از اساطیر کهن و باورهای رایج، منتها از منظر و زاویه دید انضمامی و نه انتزاعی». ساخت و پرداخت بسیار دقیق و ظریف و سرانجام طرز بیانی که به سهل منتع مشهور شده که البته این همه دقیق و ظریف در «جاده». از طریق تصویرها و صحنه‌پردازی‌ها انجام شده است. همچنین مانند اشخاص نوعی و نمونه‌وار مشهود در اشعار حافظ – رند، صوفی، زاهد – اشخاص اصلی جاده، یعنی زامیانو، جلسومینا وال ماتو، نمونه‌های زیادی در جوامع جدید دارند.

**الف- نقد اجتماع-برده‌داری جدید:**

درزمان ساخت و نمایش فیلم جاده، مردم ایتالیا هنوز از عقوبت‌های سنگین و سهمگین جنگ دوم جهانی در عذاب بودند. از آن جمله بود تنگدستی ویرانگری که ناگزیر برده‌داری نوع جدید را ایجاد کرده بود. در اولین صحنه فیلم می‌بینیم که مادر، در ازای دریافت ده هزار لیر، دخترش جلسومینا را به زامیانو می‌دهد و در همان حال با گریه و زاری و وقتی مادرانه، گفته‌هایی با این مضمون خطاب به دخترش دارد که: نان خود را درمی‌آوری و یک نان خور. هم از ما کم می‌شود. با این پول ما می‌توانیم سقف خانه را تعمیر کنیم.(اشارتی غیر مستقیم است به حفظ خانه و خانواده و خواهر و برادران کوچک‌تر جلسومینا، به خصوص وقتی که پدر خانواده رفته است.)

در صحنه بعد، زمانی که زامیانو می‌کوشد تا به زور کتک جلسومینا را تعلیم دهد، در پس زمینه تابلو شرکت «اسو»مشاهده می‌شود. این کمپانی بزرگ، روزگاری در عرصه صنعت و تجارت نفت، امپراتوری تقریباً بالامنازعی داشت، اما رویکرد انتقادی به ارتقا، آسمان و روابط ناسالم، منصرف به همین صحنه‌ها نیست.

چنان که پیشتر گفته شد، زامیانو نمونه، مظهر و تجسمی از انسان‌های بی‌شماری است که در شرایط و روابط ناعادلانه، بی‌پهره از تحصیل و رها شده به خود، مغلوب زندگی بدوی و غریزی شده‌اند. آدم‌هایی باقیمانده از دوران بربریت و جنگ همه علیه همه!

به این جهت و جهت نجات احتمالی بشریت از جایگاه حیوانیت،موضوع دادگری و بیاد، از کهن‌ترین تمذنها و فرهنگ‌ها تا حال، پوسند مفهومی بوده مورد کاوش و وااگوی عده زیادی از فلاسفه اجتماعی که عدالت یا توخس را دو راه پیشاوری بشریت دانسته‌اند. شعر حافظ ناظر به همین موضوع است.

آدمی در عالم خاکی نمی آید به دست عالمی دیگر باید ساخت، وَرّ تو آدمی!
باری، با اصطلاحی وام گرفته از ادبیات، یکی از شاه‌بیت‌های فیلم جاده، صحنه‌ای است که در کاهدانی صومعه می‌گذرد: جلسومینا متاثر از گفته‌های خواهر روحانی‌ال‌لاماتو، می‌کوشد، که فکر کردن و عاطفه را به زامیانو بیاموزد و او

می‌گوید که این جرت و پرت‌ها را ول کن!

جلسومینا بلافاصله به ترومیت و آهنگی پناه می‌برد که از ال‌ماتو آموخته است و زامیانو وحشی، بیگانه با اندیشه، هنر و اصلا هر نوع معنا به او می‌توپد که خفه شود!

جاده بی‌آنکه مانند فیلم‌های نئو رئال ایتالیا به زندگی روزمره بپردازد، مسخ شدن و تنزل انسان در بی‌عدالتی را با ایجاز، در کردار و گفتار زامیانو مختصر کرده است، به عبارت‌نی زامیانو دلالت بر مدلول‌های فراوان در روابط غیرانسانی و بی‌عدالتی جاری در جامعه دارد.

**ب- رویکردهای جاده به فلسفه:**

بر پایه منطق هگلی و سه اصل اساسی آن، یعنی تز، آنتی تز و سنتزی با بنسأ به برگردان دکتر حمید عنایت: «نهاد، برابر نهاد و پرنهاد»؛ اشخاص اصلی جاده نیز تجسمی از همین جمع اضداد و بر نهادشان در جامعه و روابط اجتماعی هستند. به طور خلاصه، جلسومینا مظهری از بخشایش، مهر و شفقت طبیعت به اضافه انسان به مثابه موجودی طبیعی و هنر، یکی از والاترین ساخته‌های معنوی بشر است. در جایگاه متضاد با او، زامیانو قرار دارد که مظهری از زندگی غریزی و بدوی و اصلا بیزار از هنر و اندیشه است. ال‌ماتو، بر نهاد یا سنتزی از این هر دو تن است.

او مهر و شفقت جلسومینا را دارد و همزمان بی‌پهره از شیطنت‌های کودکانه نیز نیست. به جلسومینا می‌گوید که من هیچ دشمنی با زامیانو ندارم. اما نمی‌دانم چرا هر بار که او را می‌بینم، مایلم که کتکش بزنم!

همچنین پس از صحنه غزای مصایب مسیح، اولین باری که جلسومینا، به عنوان پرنهاد یا سنتزی از وجه استعلاعی خود، یعنی ال‌ماتو را می‌بیند، او باال پاسخگویی فرشتگان و گرم فطره اشکی در ارتفاع چهل متری مشغول بندبازی است و آن گرم و ارتفاع، دلالتی تصویری از انجیل‌های چهار گانه، آسمان در مفهوم مینوی و قدیسان مسیحی یا ادرك جاده از مسیح، یعنی همان جنبه استعلاعی جلسومینا می‌آید و گفته‌هایی با این مضامین دارد که: من روشنفکر نیستم. بیشتر از دو سه کتاب نخوانده‌ام.اما می‌دانم که همه چیز از ستاره‌ها تا این سنگریزه برای هدف، منظور و دلیلی به وجود آمده‌اند.

همچنان که بلافاصله پس از پایان نمایش، صحنه میدانی متروک و پر از پاره کاغذها را نشان می‌دهد به علاوه چهار مرد، دو سرباز و دو جوان نیمه هوشیار و جلسومینایی که در بازگشت از شیطنگی به ارتفاع، آسمان و ال‌ماتو، باز به زمین می‌نهد که پر از اشغال و وقایع خشن چون نظامی‌گری است(دو سرباز ایتالیایی که جلسومینا در برابرشان قلمرو دارد) و ناھوشیاری و جابارت می‌باشند. پول – که نزد زامیانو بسیار مهم است – زیر پتو و ترومیت را که ابزار کارش است، کنار دختر ک می‌گذارد و سپس می‌گریزد.

جلسومینا نیز گرچه گیج و متگ می‌نماید، اما

باهوش است و در صحنه دزدی از صومعه، هر چند تحت اجبار و تهدید زامیانو، بساری به هر حال با او همدست می‌شود و بعدها موضوع قتل ال‌ماتو را از همه پنهان نگه می‌دارد. مطلب از ال‌قرار است که رویکرد جاده و مفاهیم عرفان مسیحی، مانند رویکرد حافظ، عرفانی منتزع از جهان و

واقعیت‌های عینی، ملموس و محسوس نیست. به‌این جمله سارتر در مورد انسان که «وجود بر ماهیت مقدم است»، بیان موجزی از بیشتر رویکردهای اگرستانسالیسم در زمینه‌های متعدد و متفاوت دینی یا غیر دینی است. در شبی که جلسومینا بر سر دو راهی انتخاب قرار گرفته است که آیا با سیرک همراه شود؟ چون که به قول یکی از زن‌های وابسته به سیرک، «حداقل غذایی پیدا می‌کند»؛ یا با زامیانو بماند و تحقیر شود و کتک بخورد.

باری، به هر حال، ال‌ماتو همان گاه به دیدار جلسومینا می‌آید و گفته‌هایی با این مضامین دارد که: من روشنفکر نیستم. بیشتر از دو سه کتاب نخوانده‌ام.اما می‌دانم که همه چیز از ستاره‌ها تا این سنگریزه برای هدف، منظور و دلیلی به وجود آمده‌اند.

همچنان که بلافاصله پس از پایان نمایش، صحنه میدانی متروک و پر از پاره کاغذها را نشان می‌دهد به علاوه چهار مرد، دو سرباز و دو جوان نیمه هوشیار و جلسومینایی که در بازگشت از شیطنگی به ارتفاع، آسمان و ال‌ماتو، باز به زمین می‌نهد که پر از اشغال و وقایع خشن چون نظامی‌گری است(دو سرباز ایتالیایی که جلسومینا در برابرشان قلمرو دارد) و ناھوشیاری و جابارت می‌باشند. پول – که نزد زامیانو بسیار مهم است – زیر پتو و ترومیت را که ابزار کارش است، کنار دختر ک می‌گذارد و سپس می‌گریزد.

جلسومینا نیز گرچه گیج و متگ می‌نماید، اما باهوش است و در صحنه دزدی از صومعه، هر چند تحت اجبار و تهدید زامیانو، بساری به هر حال با او همدست می‌شود و بعدها موضوع قتل ال‌ماتو را از همه پنهان نگه می‌دارد. مطلب از ال‌قرار است که رویکرد جاده و مفاهیم عرفان مسیحی، مانند رویکرد حافظ، عرفانی منتزع از جهان و

معبود، دلیل و مقصود زندگی جلسومینا، یاری رساندن به زامیانو است تا او را از زندگی غریزی و فاقد فکر و معنا به درآورد و وارد قلمرو تفکر و دگردوستی کند، اما این دلایل و معانی نیک و منظور جلسومینا بلافاصله و به طرزی ترازادیوار درهم می‌شکند. طوری که تحت تهدید و



ضمیمه ادبی هنری روزنامه اطلاعات

**نگاهی فلسفی و ادبی به یک فیلم جهانی از فدریکو فلینی**

# حافظ و فیلم شاعرانهٔ «جاده»



زورگویی زامیانو است که جلسومینا وادار به دزدی «قلب‌ها»ی صومعه قدیمی می‌شود.

بنا به باور مسیحیان، مسیح کتک خورد، شکنجه و تحقیر شد و می‌هیج گناهی مصلوب گشت. در کلیت جاده، وضع و موقعیت جلسومینایی مهربان و ناچار به تحمل تراژدی گونه‌های پیاپی، است که آیا با سیرک همراه شود؟ چون که به قول یکی از زن‌های وابسته به سیرک، «حداقل غذایی پیدا می‌کند»؛ یا با زامیانو بماند و تحقیر شود و کتک بخورد.

باری، به هر حال، ال‌ماتو همان گاه به دیدار جلسومینا می‌آید و گفته‌هایی با این مضامین دارد که: من روشنفکر نیستم. بیشتر از دو سه کتاب نخوانده‌ام.اما می‌دانم که همه چیز از ستاره‌ها تا این سنگریزه برای هدف، منظور و دلیلی به وجود آمده‌اند.

**ت- شاه‌ترکان، سخن مدعیان می‌شود/ شرمی از مظلمه خون سیاوشش باد(حافظ)**

مانند بعضی از اشعار حافظ، در جاده نیز نمادها و نشانه‌های مرتبط با اساطیر کهن یا باورهای رایج مذهبی حضوری واضح دارند. از آن جمله اهمیت عدد «سه» در باورهای مسیحی و بیانگر خدای پدر، پسر و روح‌القدس است. در جاده بعضی از نمونه‌های ارجاع به عدد مذکور از این قرارند: در صحنه‌ای که زامیانو مرتکب قتل ناخواسته یا غیر عمد ال‌ماتو می‌شود، او از جاده به چمنزاری می‌رود که در آن جا «سه درخت» در کنار هم روپیده‌اند. در صحنه‌های قبلی، در اتاق اسوالد، کودک بیمار و سیاھپوش، شمایی به دیوار نصب شده است که تصویر «سه قدیس» را دارد. در همان جا، افزون بر جلسومینا و اسوالد، «سه کودک» در حال بازی هستند. در آخرین صحنه‌های جاده، زنی که زامیانو را از درگذشت جلسومینا مطلع می‌کند، باز هم «سه کودک» در کنار او مشغول بازی هستند.

این ارجاعات جاده در جهت ایجاد وجوه معنوی پیرامون یأ در وجود شخصیت‌های جلسومینا و ال‌ماتو است. از باب مثال، ال‌ماتو در سیرک و با همان بال‌های ساختگی و نقش اشک از طباب بندبازی قُرد می‌آید و بر الاغی می‌نشیند. الاغ مرکب مسیح بود. ال‌ماتو نیز مانند خواهر روحانی و جلسومینا، مسافری همیشگی است. تعلق خاطری به دنیا ندارد و حتی در لحظات

معبود خودش را دارد و من هم معبود خودم را دارم.

معبود، دلیل و مقصود زندگی جلسومینا، یاری رساندن به زامیانو است تا او را از زندگی غریزی و فاقد فکر و معنا به درآورد و وارد قلمرو تفکر و دگردوستی کند، اما این دلایل و معانی نیک و منظور جلسومینا بلافاصله و به طرزی ترازادیوار درهم می‌شکند. طوری که تحت تهدید و

که بانگ شان هر آدمیزادی را دلپذیر خواهد افتاد. اگر کسی … بانگ شان را بشنود، هرگز زن و فرزندانش گردش را فر نخواهند گرفت. … آواز خوش آهنگ سیرن هاوی را دل بسته خواهد کرد. در چمنزاری جایگزینند و گرداگردشان … پر از استخوان پیکرهایی است که تباه شده‌اند.» سپس در همان سرود، اولیس که به سیرن ها نزدیک شده است، می‌گوید که: «پشان آوازی خوش آهنگ را آغاز کردند و می‌گفتند: … به اینجایا تا بانگ ما را بشنوی … هرگز هیچکس بدین جانیامد، مگر آن که بانگ خوش آهنگ ما را بشنود. مردم از این جا فریفته و دانات بازی می‌گردند.»

مطابق با این اسطوره و نقش‌پری دریایی بر اتاقک زامیانو، جلسومینا بانگ و آهنگ دلپذیر سیرنها را می‌شنود، آواره و نیمه مجنون دیگر هرگز به خانه‌اش برنمی‌گردد، هر چند که شفته و فریفته موسیقی و دانایی بود. جلسومینا این آهنگ دلپذیر و بی‌نام را از ال‌ماتو آموخته بود و او نیز سرگذشت غم‌انگیزی می‌یابد، شبیه آن چه در اودیسسه آمده است: «… در چمنزاری جایگزینند و گرداگردشان، استخوان پیکرهایی است که تباه شده‌اند.»نظیر همین معناست در شعر حافظ:

چو پرد دار به مشمشیر می‌زند همه را
کسی مقیم حريم حرم نخواهد ماند

جاده در فرهنگ و باورهای مردم اروپا، دو خاستگاه کهنی در فرهنگ کهن و اساطیر هلنیستی و دیگری اعتقادات و باورهای مندرج در عهد عتیق و عهد جدید است. هر چند که از دوران رنسانس به بعد، تزلزلی عمیق در آن فرهنگ و باورهای ایجاد شده، اما هنوز به ویژه در ابعاد وسیع علوم انسانی و در فلسفه یا در فرهنگ و شاخه‌های متعدد هنر، داعش را تشکیل می‌دهند. چون که این نوع مطرودان منفرده، در دستگاه مهیب قدرت آشوب که ابراز وجود می‌یابند و البته باز یادآور می‌شوند که زمان ساخت فیلم جاده، هنوز فاصله زیادی با دوران یکه تازی موسولینی در ایتالیا نداشت.

**ث- نمادهای اساطیری:**

فرهنگ و باورهای مردم اروپا، دو خاستگاه قدرتمند دارد. یکی فرهنگ کهن و اساطیر هلنیستی و دیگری اعتقادات و باورهای مندرج در عهد عتیق و عهد جدید است. هر چند که از دوران رنسانس به بعد، تزلزلی عمیق در آن فرهنگ و باورهای ایجاد شده، اما هنوز به ویژه در ابعاد وسیع علوم انسانی و در فلسفه یا در فرهنگ و شاخه‌های متعدد هنر، داعش را تشکیل می‌دهند. چون که این نوع مطرودان منفرده، در دستگاه مهیب قدرت آشوب که ابراز وجود می‌یابند و البته باز یادآور می‌شوند که زمان ساخت فیلم جاده، هنوز فاصله زیادی با دوران یکه تازی موسولینی در ایتالیا نداشت.

**ج- نقش و کارکرد عدد«دو» در جاده:**
همچون اشعار حافظ در انتخاب دقیق کلمه‌ها، طوری که اغلب اوقات حتی نمی‌شود کلمه‌ای را جا به جا کرد، در جاده نیز ما بارها با چنین دقتی مانند تکرار عدد«دو» در شکل‌های متعدد و متنوع و این بار در قالب تصویر مواجه می‌شویم. در اولین حضور زامیانو، در سوئی او دو بطری است: یکی سفید و دیگری تیره!

همچنین گلدان محقری با بوته خشکیده‌ای قرار دارد که دلالتی تصویری بر درگذشت رزا، گل سرخ است. در همان صحنه زامیانو به بچه‌ها پول می‌دهد تا برونند «دو بطر نوشابه» بگیرند و البته و دستیار او متوجه می‌شود.

در میدان شهر و پس از بندبازی، هنگامی که برگردان شادروان سعید نقیسی، یکی از الپگان به اولیس می‌گوید: «به کشور سیرن ها خواهی رسید

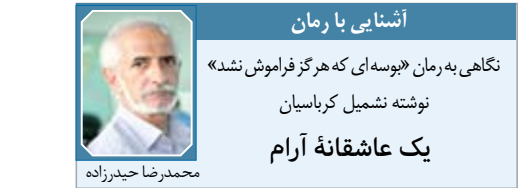
مر که گرفتن‌های زامیانو حضور دارد. یک بار در نمایشی کم‌دی، زامیانو نقش شکارچی و جلسومینا نقش شکار یعنی نقش اردک را بر عهده دارد و اردک، باز با آب و با دریا مرتبط است. در آخرین صحنه‌های جاده، دو ریل موازی تراموا مشاهده می‌شود که کمی بالاتر همدیگر را قطع می‌کنند.(در صحنه بعد زامیانو متوجه تنهایی خود بی‌حضور جلسومینایی می‌شود که می‌کوشید به زندگی او معنایی دهد.) زامیانو در زد و خورد با صاحب کافه، دو بشکه را با خشمش به اطراف پرت می‌کند.

در اولین و آخرین صحنه‌های جاده، دریا را می‌بینیم. بار نخست روز است و دریا می‌درخشد. آخرین صحنه شب است و زامیانو در کنار دریا نگاهی به آسمان می‌اندازد. او که لاف می‌زد به هیچکس احتیاج ندارد، در لحظاتی کوتاه خود می‌شود. درهم شکسته و کتک خورده، به ش‌های ساحل چنگ می‌زند.

باز با همان دقت اشعار حافظ و ارتباط معنایی ابیات، در آخرین صحنه‌های جاده، سیرکی در کنار دریا پریاست. یک نفر بندبازی می‌کند(یادآور ال‌ماتو) و زامیانو مانند همیشه همان حرف‌های قبلی را تکرار و نمایش همیشگی خود، پاره کردن زنجیر را، اجرا می‌کند. اما در آخرین صحنه جاده و با پایان باز، هیچ معلوم نمی‌شود که آیا زامیانو می‌تواند زنجیرهای قالی و غالب بر ذهن و رفتار غریزی خود را بگسلد یا نه؟ سخن آخر، دپهیی است که شرح و توضیح فیلم-شعر جاده با آن همه انسجام در روایت، مانند اشعار حافظ، در نوشته‌های نسبتاً کوتاه، کار دشواری است. از باب مثال در نخستین صحنه‌ها و اولین حضور زامیانو،تویی قرار دارد که دلالت و کنایه‌ای تصویری در تناقض با لاف و کراف زامیانوی ژنده‌پوش است که می‌گوید : زن‌های من هیچ کدام زنده‌پوش نبودند!

همچنین زن‌های جاده، مانند زمین مادر، عموماً مهربران و بخشنده‌اند. در صحنه‌ای جلسومینا در اغل، از گودادی بیرون می‌آید و پس از قهر با زامیانو، از حفره کوچکی در چمنزار کنار جاده، گیاهانی را بیرون می‌آورد و به باد می‌سپارد تا به سقر برونند.

و نیز نگاه زامیانو در آخرین صحنه جاده به آسمان، تذکره تصویری از گفته‌های ال‌ماتو است که همه چیز از ستاره‌ها تا سنگریزه‌ها برای هدف و منظور و دلیلی ایجاد شده‌اند. به قول حافظ: چیست این سقق ساده بسیار نقش؟ جاده در ضمن بی‌پهره از رگه‌های طنز نیست. زمانی که در سیرک، ال‌ماتو در خطایی و ادب و احترام به جلسومینا «خانم» می‌گوید، او که از زامیانو چیزی جز تحقیر نشنیده، دستپاچه می‌شود و سرش به دیواره سیرک می‌خورد. تقلید جلسومینا از رفتار پسر از اعتماد به خود زامیانو نیز مشخص است. او که اولین بار به رستوران رفته است به تقلید از زامیانو خلال دندان برمی‌دارد و می‌کوشد که با مو سرخه قربانی اجتماع و لمین‌مآب، رفتاری محترمانه داشته باشد و نظایر اینها، … به هر حال و بی‌تردید، در این فیلم کلاسیک، بسا موارد هست که از دید من پنهان مانده یا متوجه‌شان نشده‌ام.



نسیم ملایمی از دور می‌وزید.
هوای مطبوعی که یادآور رسیدن بهار و نوروز بود، در فضا پیچیده بود. وقتی به خوابگاه رسیدم، همه‌چه بچه‌ها زیاد بود. همه مشغول بستن چمدان هایشان بودند. خوشحال می‌گفتند و می‌خندیدند. در اتاق ما هنوز هیچ کدام از بچه‌ها نیامده بودند. طبق قولی قرار خودشان با هم تصمیم گرفته بودند تا خرید کنند و کمی بگردند، بعد به خانه هایشان بروند. دنیای انزوی‌ام و هاله‌ای که دور خود کشیده بودم، من را بیش از پیش از همسن و سال‌های خودم دور می‌کرد. من یک‌ه و تنها به دنبال یک اتاق امن برای تنهایی هایم بودم و آنها پر از شور و هیجان و پر از خند.

خیلی وقت بود از خانه و پدر و برادرم خبری نداشتم. دلم یک جورهایی برایشان تنگ شده بود، اما چنگ براین دلنگنی می‌زدم، چون نمی‌خواستم که ببینم شان و نباید هم می‌دیدم، چون آرامش زندگی‌ام را از من می‌گرفتند. پس خط قرمزی که بین خودم با آنها کشیده بودم را باید حفظ می‌کردم....

\*\*\*

رمان «بوسه‌ای که هرگز فراموش نشد»، نوشته «شمیل کرباسیان»، توسط انتشارات علی به بازار کتاب آمده است. نویسنده در این کتاب، داستان زندگی دو دختر را در کنار هم و به صورت موازی پیش می‌برد. یکی به نام «اوا» که قصد ازدواج ندارد، اما به زور خانواده مجبور است پای سفره عقد بنشسته و زندگی تازه‌ای آغاز کند.

دختر دیگر «فریناز» است که برای فرار از شرایط خاص خانه و خصوصاً پس از مرگ مادر و معناد بودن پدرش، ناخواسته تسلیم سرنوشت خود می‌شود...

نمایش کرباسیان در زمان جدید خود، با دقت و وسواس خاصی، داستان دو زندگی جدا از یکدیگر اما آشنا با هم را شرح می‌دهد و اینکه خانواده‌ها چه نقش و جایگاه مهمی در تحقق رزوه‌های نسل جوان دارند. ضمن آنکه می‌خواهد با وااگوی هنجارهای جامعه، به بیان دغدغه‌ها و خواسته‌های جوانان بپردازد و مخاطباتی که بر این ناهتاس را شرح دهد.

نمایش کرباسیان، پس از رمان‌های: «تنبض داستان» و «توان زن بودن»، در سومین تجربه نویسنده‌ی خود، داستانی جذاب و عاشقانه‌ای آرام را نوشته تا راه خود را به سوی موفقیت‌های بیشتر هموار سازد.

\*\*\*

**در بخشی دیگر از این رمان،چنین می‌خوانیم:**
تا مسیرخانه اشک می‌ریختم، چران که همیشه از دشتش اراجاثت بی‌ودم. او که هیچ وقت برایم پدری نکرده بود. پس چرا تا به این حد به خاطر مرگش ناراحت شده بودم. خودم هم نمی‌دانستم. شاید خونی که در گ‌های من بود و آن مهر ذاتی، این طور اشک‌هایم را سرازیر کرده بود. اما نه من پدرم را دوست داشتم. خیلی زیاد. همیشه دلم می‌خواست بروم توی بغلش و سرم راوی سینه اش بگذارم و مثل وقتی که خیلی کوچک بودم، او بغلم کند، غرق بوسه کند و برایم شعرهای کودکانه بخواند. بین من و پدرم همیشه یک دیوار بود. یک دیوار پر از غرور. یک دیوار که هیچ وقت نگذاشت همدیگر را ببینیم و یا این که درک کنیم. آن قدر مشغول موادش بود که از من چیزی نمی‌دید؛ اما به یاد دارم وقتی خیلی کوچک بودم، پسر همسایه‌ایمان من را زد. هیچ وقت عصبانیت آن روز پدرم را فراموش نمی‌کنم. طوری به هم ریخته بود که اگر همسایه‌ها و مادر خدایامیزم بود، دمار از روزگار پسره در می‌آورد. پس دوستم داشت که از من حمایت می‌کرد. در این‌ک که معناد بود، با این که بیار بود، اما من هر چی که بود، دخترش بودم...



۲۷

از تمام روشنائی‌ها

حمیدرضا شکارگری



خوانش شعری از فاطمه زارعی

از «مولانا» تا «زارعی»!

«سجاده ام کجاست؟

می خواهم برای همیشه سرم را

روی پاهایت بگذارم ...»

دید موسی یک شبانی را به راه کاوه‌می گفت: ای خدا و ای اله تو کجایی تا شوم من چاکرت چارقت دوزم کنم شانه سرت «مولانا» در این شعر، قصد شاعری ندارد، بلکه می خواهد معنایی بلند و مفهومی به‌ارزش را به مخاطب القاء نماید. او تنها از یک قالب (فرم) شعری، حسن استفاده (از نوع ابزاری اش) را برده است. پس قالب یا فرم در اینجا در خدمت متن نیست، بلکه در خدمت فرامتنی خارج از نوشتار است.



او در نهایت می خواهد مخاطب را به این نتیجه برساند که راههای رسیدن به خدا یکی نیست و از یک جنس هم نیست. مولانا این متن را با ابزار شاعرانه روزگار خود آراسته است، اما از حد روایتی منظوم فراتر نمی رود. فاطمه زارعی چطور؟ «تو» در شعر زارعی غایب است و در واقع سپیدنویسی شده است، در سپیدی این متن چه می توان گذاشت؟ آیا راوی با مادریا مادر بزرگ یا پدر یا پدر بزرگ خود یا هر شخص دیگری سخن می گوید؟ یا او همچون شبان مولانا مشغول عبادتی به شیوه و باور خویش است؟

در مثنوی آن اسطوره شعر فارسی، نشانی از این نوع تردید نیست. اگر هم تردیدی هست، تردیدی در دل پیامبر خداست. تردیدی عقیدتی و ایدئولوژیک و برون متنی است و نه تردیدی متنی. تردید در شعر «زارعی» اما تردیدی درون متنی است. او به گونه ای ساختار شعر را تدارک دیده است که مخاطب می تواند بنا بر خواست خود، متن را تأویل کند، اما سروده مولانا تأویل پذیر نیست. تردید در سروده زارعی، تردیدی شعر آفرین است، چرا که به مسیر خوانش تنوع می بخشد و آن را از یک بودن و متن را از تک معنایی جدا می سازد. نه فاطمه زارعی همان مولانا است و نه نوشته او از جنس مثنوی معنوی. چرا که او شعر نوشته است، اما حاصل کار همتایش تنها نظم است.

۱- رؤیای آبی شهر (گزیده شعر شاعران کرج)، به کوشش مهدی شورگشتی و سیامک نوری، انتشارات فصل پنجم، ۱۳۹۲، ص ۸۳

نگاهی به مجموعه شعر «مارمولک‌های هاچ‌بک»، سروده اکسیر

## روزنامه‌ای شاعرانه

به بهانه‌ی کرونا دست‌ها را ۲۰ ثانیه با صابون شستند

تا خون‌ها از دست‌ها پاک شود  
به بهانه‌ی کرونا، فاصله اجتماعی تحمیل شد  
تا برای همیشه از هم دور باشیم  
به بهانه کرونا خیلی کارها کردند  
مثل همین شعار که جای شعر قالب کردم و کسی نفهمید!

اکسیر در شعرهای کروناده این کتاب، کرونا را بهانه‌ای می‌داند برای پرداختن به دغدغه‌ها و نقدهای آمیخته با طنز خود پیرامون اوضاع بشر امروز گرفتار در چنگال کرونا، در ایران و جهان. جایی که پای شبکه «شاد» (مخصوص آموزش مجازی دانش‌آموزان در دوران قرنطینه کرونایی) را به شعر باز می‌کند: «... بچه‌ها با حفظ فاصله بی‌ماسک و دستکش و صابون / دکتر بازی می‌کنند / کانال شاد، غمگین



است ...»

یا جایی که از وام یک میلیونی دولت به اقشار کم‌درآمد کرونا زده حرف می‌زند:  
«به سلامتی کرونا / مُردیم تا وام یک میلیونی گرفتیم / مسافرت ممنوع / ماسک پشت ماسک / دستکش روی دستکش / نه مهمان آمد نه مهمانی رفتیم / با حفظ فاصله‌ها / با رعایت تمام پروتکل‌ها / در عرض ۲۰ ثانیه / دست از جان شستیم / علی برکت‌الله ...»

یا در شعری دیگری پیرامون محدودیت‌های هوشمند در روزهای قرنطینه کرونایی سخن می‌گوید:  
«دکان‌ها را بستیم / تا در خانه بمانیم / کرونا بیاید و برود / به پلیس راه دروغ گفتیم / دورهمی / کرونا آمد با ما دست داد / ما را بوسید، بغل کرد / ما دیگر نتوانستیم / به پلیس راه دروغ بگوییم»  
اما اکسیر در شعرهای «مارمولک‌های



عبدالصابر کاکایی

هاچ‌بک»، تنها به کرونا بسنده نمی‌کند و ردّ برخی از اخبار مهم این روزها را می‌توان در اشعارش یافت. اخباری که برای چند روز یا چند هفته در سرخط خبرهای ایران و جهان جا خوش کرده بود و حالا اثرشان در شعرهای «مارمولک‌های هاچ‌بک» به یادگار می‌ماند. خبرهایی آنقدر بروز که می‌توان در شعر «خبر فوری» در صفحه‌ی ۳۱ از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خواند:

«هر روز در انتظار خبرهای خوش / پای تلویزیون به خواب می‌رویم / خبرها، بوی کافور می‌دهند / دیوارهای شهر سرشار از آگهی تسلیت‌اند / پیامکی می‌آید شبکه عوض می‌شود: / جو بایدن پیروز شد / قره‌باغ آزاد شد! / پراید، گران‌تر.»

یا در شعر «لاکچری» در صفحه ۳۶ به معضلی اجتماعی که این روزها گریبانگیر برخی مردم شده با عنوان «زایمان لاکچری» در تاریخ‌های خاص می‌پردازد. در صفحه ۴۴ از مرگ استاد شجریان سخن می‌گوید:

«شجریان یا کیارستمی؟ / یکی را بی‌مهری مسئولین از ما گرفت / یکی را بی‌توجهی پزشکان / بی‌مهری یا بی‌توجهی، هر دو کشنده است / مسئولین، پزشکان جامعه هستند / مسئول محترم! لطفا توجه فرمائید / پزشکان عزیز! لطفا مسئول باشید!»

اکسیر در این کتاب، به اخبار مهم دیگر کشورهای جهان نیز بی‌توجه نیست و در شعر «پرسش»، به قتل سیاه‌پوست آمریکایی، «جورج فلوید» به دست پلیس ایالات متحده توجه می‌کند:

«هر روز در جهان صدها سفید / در تظاهرات خیابانی کشته می‌شوند / آب از آب تکان نمی‌خورد / در آمریکا یک سیاه کشته شد / دنیا به پا خواست، ترامپ سرنگون شد / آقای نلسون ماندلا / (می‌دانم که مُرده‌ای) / لطفاً به من بگو: / آپارتاید یعنی چه؟»

از دیگر موضوعات روزی که ردّشان در شعرهای مارمولک‌های هاچ‌بک به چشم می‌خورد، «کولبران»، «خاوری (اختلاس‌های نجومی)»، «کودکان کار و زبانه‌گردی» نیز قابل اشاره‌اند.

اکسیر در این کتاب (حداقل در تعداد قابل توجهی از اشعار)، یک روزنامه شاعرانه در اختیار مخاطبان قرار داده است. روزنامه‌ای که با زبانی ساده و ژورنالیستی، با پی‌رنگ پُرنرنگی از طنز، با لحظاتی شاعرانه، موضوعات و اخبار مهم یکسال اخیر را انعکاس داده، تحلیل نموده، نقد کرده و در نهایت برای مخاطب این روزنامه، ایجاد پرسش کرده است. تمام کاری که اکسیر در مانیفست فرانو خود به آن اعتقاد دارد و رد آن مانیفست را در شعرهایش می‌توان یافت.

اکسیر در مارمولک‌های هاچ‌بک، سراغ موضوعاتی رفته که کمتر شاعری جرأت می‌کند با این صراحت سراغ آنها برود و فقط اکسیر با شعر فرانونی و مانیفست بیست‌بندی‌اش مجوز ورود به چنین ساحت‌هایی را دریافت کرده است. علیرغم این ویژگی که نگارنده آن را جزو ویژگی‌های مثبت کتاب در نظر می‌گیرد، این سؤال مطرح می‌شود که اگر مخاطب سال‌هایی که در راه‌اند، این کتاب را تورق کند، برای ارتباط با برخی شعرها به پیوست و پاورقی نیاز دارد یا خیر؟! ....



همچنان در طنز، مسأله این است!

## نیش یا نوش یا هردو؟...

یک روز از استاد علی اصغر حلبی پرسیدند: بهترین طنز کدام است؟ پاسخ داد: «طنزی که با کمترین عبارات، بیشترین پیام را به خواننده برساند.» به راستی که چنین است. به قول معروف، کم گوی و گزیده گوی چون در! اصولاً حسن کوتاه نویسی، چه در طنز چه در جد، این است که خوانندگان بیشتری را نسبت به بلند نویسی جذب می‌کند. و اکنون رشد فناوری‌های ارتباطی و جایگزینی رسانه‌های نوین و از جمله اینترنت و انواع ابزارهای رایانه‌ای نیز مزید بر علت می‌باشد.

گل‌خند، غش غش خند و امثال ذالکی که در جریان خواندن هر مطلب در زوایای چهره اش خودنمایی می‌کند، بتواند پی به این مواد ببرد. صد البته در چنین مواقع حساس، لازم و بلکه واجب است که خواننده مورد نظر، یک آئینه دستی در دست مبارکش داشته باشد تا با خواندن هر مطلبی نگاهی هرچند گذرا به آن بیندازد و پی به نوع لبخندش ببرد. زیاده روده درازی نکنم که نقض غرض خواهد شد! در راستای تمام آنچه که عرض شد، چند طنز کوتاه تقدیم حضور می‌کنم و زحمت را کم!



### دریغ از دیروز!

- راستی، می‌توانی قیمت اجناس پنج روز پیش را برابرم حساب کنی؟  
- البته که می‌توانم.  
- چطور؟  
- قیمت جنس‌های امروز را تقسیم بر ۲ کن، قیمت جنس‌های دیروز به دست می‌آید.  
قیمت جنس‌های دیروز را باز تقسیم بر ۲ کن، قیمت جنس‌های پریروز به دست می‌آید... همین‌طور پس پسکی برو تا بررسی به پنج روز پیش!

### علت گرانی سماق!

- بالاخره من نفهمیدم چرا سماق قیمتش افزایش یافته؟  
- اتفاقاً امروز که که اغلب مردم سرگرم مکیدن سماق هستند، باید هم به قیمت سماق افزوده گردد. چون قیمت‌ها از قانون عرضه و تقاضا پیروی می‌کنند!  
**نکته آبکی!**  
- من فکر می‌کنم به زودی شرکت شیر پاستوریزه را تعطیل کنند!  
- چرا؟  
- چون نوشته انشعاب آب مشترکین پر مصرف را قطع می‌کنند!

طنز نویسنده کوتاه نویسنده، می‌تواند بدون روده درازی و بازی با قلم (قلمفرسایی)، حرف‌های نیش‌دار و آمیخته به نوش بزند و ثابت کند که با طنز کوتاه می‌توان همه حرف‌ها را زد و قبال قضیه را کند. می‌دانیم که طنز، دارای دو ماده است: «نیش و نوش». و به هنگام نگارش باید سعی شود تا حتی الامکان، بین شان تعادل برقرار شود تا طنز از اصل خود خارج نشود. اما اگر هر یک از این دو ماده، بیش از اندازه کم و زیاد شود، آن وقت به قول قدیمی‌ها، قضیه تومانی هفت صنار فرق معامله است! طنز نویس در آثارش می‌کوشد تا معایب و رذایل انسانی و جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کند، به همراه تشبیهات خنده‌دار و کنایه و بزرگنمایی رندانه و زیرکانه، بیش از آنچه در عالم واقع وجود دارد، جلوه دهد تا نیش و نوش قلمش تأثیر پذیر باشد. پس شگفت‌آور نخواهد بود که گفته شود: طنز نویسی که مقوله جدی را تبدیل به طنز می‌کند، مانند کیمیای است که مس را تبدیل به طلا می‌کند.

کوتاه‌نویشته‌های زیر از ۲+۱ ماده خارج نیست: یا نیش دار است یا نوش دار و یا آمیخته‌ای از هردو ماده و این بستگی به برداشت و زاویه تیزبین و خوش بین خواننده دارد و با توجه به پوز خند، ریشخند، تلخ خند،

نیمه و تفر



علی هاشمی شهرکی

\* متولد ۱۳۵۷ در آبادان

\* دارای مدرک کارشناسی طراحی و کارشناسی ارشد تصویرسازی

\* همکاری با نشریات مختلف به عنوان طراح، گرافیست، کارتون‌نویس و مدیر هنری

\* کسب جوایز متعدد از مسابقات داخلی و بین‌المللی

### پرسش

گفتم: ای حکیم، چه لذتی در عالم بالاتر باشد؟  
گفت: در این برهه از زمان کروناپی که معیشت به تنگی است، در لنگر انداختن و کنگر خوردن لذتی بزرگ است!

### سیاستمدار!

- سیاستمدار به چه کسی می‌گویند؟  
- به کسی که پشت فرمان اتومبیلی بنشیند و وقتی به دوراهی می‌رسد، با زدن راهنمای سمت چپ، از سمت راست حرکت کند!

### سومی!

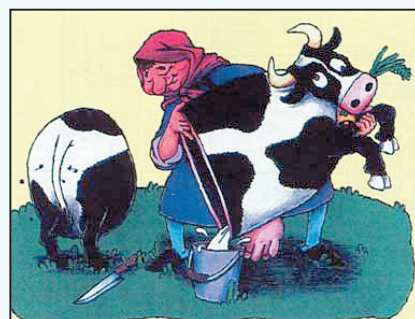
می‌گفت: توی این دنیای بی‌سر و ته، آدم اگر فاقد یکی از این سه چیز باشد، کلاهش پس‌معره است.  
گفتم: آن سه چیز چه باشد؟  
گفت: نمی‌دانی؟  
گفتم: فکر می‌کنم یکیش «پول» باشد.  
گفت: درسته.  
گفتم: به نظرم یکی هم «پارتی» باشد.  
گفت: بارک‌الله... خب سومی؟  
راستش هرچه زور زدم، نتوانستم بگویم.  
پس گفتم:  
- سومی را خودت بگو؟  
نیشش تا بنا گوشش باز شد و در حالی که دوردیف دندان‌های سیاه و سفیدش را نشان می‌داد، گفت:  
سومی هم «پدر سوختگی» است!...

### نقرس!

- این یارو چرا این طوری راه میره؟  
- بیچاره نقرس گرفته... بیماری ارنیا و پولدارها!  
- عجب، نقرس چطوریه به وجود میاد؟  
- عقیده دارند از مصرف زیاد گوشت!  
- چه خوب؛ خدا به ما رحم کرد که تو این گرانی و انفسا گوشت نمی‌خوریم!

### نکته

گفت: در فلان مجله خواندم که دانشمندان تصمیم دارند در آینده نزدیک، انسان‌ها را به اندازه عروسک در بیآورند. اگر روزی این موضوع عملی گردد، می‌دانی چه حسنی خواهد داشت؟  
گفتم: نه!  
گفت: دست‌اندرکاران مترو خواهند توانست هر چهل و پنجاه هزار مسافر را یکجا بچاپاند توی مترو (البته اگر جناب کرونا گورش را گم کرد) و به این ترتیب مشکل چندین ساله ترافیک، خود به خود حل خواهد شد!



از فرمایشات ما!



رضا رفیع

## چگونه صبح‌ها پا می‌شوید؟!

طرف چیزی برای گیر دادن پیدا نکرده، به من می‌گوید پرسشی فلسفی دارم: «جنابعالی! مای کمترین را عرض می‌نماید!» به عنوان یک طنزپرداز، صبح‌ها چگونه از خواب ناز بیدار می‌شوید؟... و از چشمان بدون لنز او می‌خوانم که با خواهش و تمنا می‌گوید:  
«ای که پنجاه رفت و در خوابی»

نروی از جواب، زیرآبی!

به شدت و با تمام وجود، سر در جیب فکرت فرو می‌برم و به این مهم می‌اندیشم که به سبک و سیاق برخی سیاستمداران کار کشته، چه پاسخ محکم و کوبنده‌ای بدهم که به سؤال مذکور هم جواب داده باشم، هم جواب نداده باشم (یعنی به زبان خوش، جوابشان کرده باشم!) و از سوی دیگر، برای خلق الله بدآموزی هم نداشته باشد. فلذا با لبخندی ملیح

عرض می‌نمایم که ما جماعت اهل طنز، عموماً دو جور بیدار می‌شویم یا از خواب می‌پاشیم:

### ۱- به سختی:

مخصوص کسانی که غالباً تا دمدمای صبح (و بلکه هم بیشتر) بیدارند و چون تنها، به خیال خودشان کار فکری می‌کنند؛ لهدا تا لنگ ظهر می‌خوانند. اما این بدان معنا نیست که

به قول بنده‌خدایی، خواب اصحاب کهف چرت ایشان باشد!... و احتمال، جناب سعدی در باب همین گروه و امثالهم فرموده باشد که: «درازی شب از مژگان من پرس / که یک دم خواب در چشم نگشته است» (بنابر تحقیقات عمیق ما بعید است که «مژگان» مذکور، نام دختر سعدی بوده باشد).

### ۲- به آسانی:

این جور بیدار شدن در ارتباط با کسانی مطرح است که با یک جیغ بنفش عیال خود از خواب ناز چنان به هوا می‌پرند که تا مدت‌ها محل اصابت سرشان به سقف زندگی مشترکشان مشخص و معلوم است. شاید این شعر، زبان حال عیال طاق از دست داده نظامی خطاب به مرد شاعرش بوده باشد که گفته است: «بر کشید آفتاب دشنه تیز / چند خسبی نظامیا، بر خیز!»... که به احتمال قوی (بل اقوی)، تمام نیروی نظامی در پاهایش جمع شده و تا نانوایی سنگکی سر کوچه دویده است که بساط صبحانه، بی نان داغ نماند. و در مقابل از زبان عیال شنیده که الهی داغت را نبینم!

### ۳- به تدریج:

بسیاری از اهل طنز چون خیلی محتاط و معنادار به ترس و تردید و تشکیک هستند و حتی به اصرار اطرافیان تن به خواب می‌دهند و با آن که حضرت مولانا برای زمان خودش فرموده است: «حق نشاید گفت جز زیر لحاف»؛ در عین حال هراس دارند که زیر لحاف برونند، مبادا که در غیاب آنها همه چی به هم بریزد و کسی نباشد انتقاد کند.

فلذا صبح هنگام نیز که به اصرار ساعت بیولوژیک بدن می‌خواهند به ناچار سر از زیر پتو در آورند؛ خیلی با حزم و احتیاط این کار را می‌کنند. اول نصف سرشان را بیرون می‌آورند به همراه یک چشم تا ببینند آیا هوا پس است یا پس نیست؟ اگر نبود و فقط آلوده بود، که امری معمولی است و بلافاصله آن نصفه دیگر سر مبارک را هم به همراه چشم دوم خود از زیر لحاف خارج می‌سازند و رو به عیال می‌گویند:

صبح است ساقیا، قوری ام پر ز چای کن

دور فلک درنگ ندارد، شتاب کن و آنگاه با عنایت به اثرگذاری فوری این کلام دلنشین سنگ نرم کن، می‌گویند: «این چای ما چی شد؟... چاییدیم از بس خوابیدیم!» (فقط خدا خدا کنید که عیالتان چیزی از قافیه حالیش نباشید؛ و گرنه همان سر صبحی، قافیه را باختید!)



## امروز در تاریخ

## دستور ساخت شهر «ایوان کی» صادر شد

فرهاد یکم، شاه ایران از دودمان اشکانی در مارس سال ۱۷۸ پیش از میلاد، دستور ساختن «ری» نوین را در غرب شهر ری (منطقه ورامین - جنوب شرقی تهران امروز) صادر کرد که بعداً «ایوان کی» خوانده شده است. مورخین یونانی شهر تازه ایوان کی را «گازاکس» نوشته‌اند. یونانیان «ری» را هم «گازاکس» می‌نامیدند.

## دولت انگلستان به ایران هواپیمای نظامی نفروخت

دولت انگلستان سوم مارس ۱۹۴۰ (۱۲ اسفند ۱۳۱۸) درخواست دولت وقت ایران را برای فروش هواپیمای نظامی رد کرد.

نیروی هوایی ایران سال‌های پیش از آن با خرید هواپیما از آلمان و روسیه شوروی تأسیس شده بود. دلخوری انگلیسی‌ها بیشتر از این بابت بود که ایران با کمک ایتالیای موسولینی برای خود یک نیروی دریایی کارآمد به وجود آورده بود و در خلیج فارس موی دماغ انگلستان شده بود. به علاوه، تمایل به آلمان در بسیاری از مقامات وقت ایران دیده می‌شد.

### اعتراض شدید دکتر مصدق به شوروی

دکتر مصدق، نماینده تهران در مجلس شورای ملی، در جلسه ۱۲ اسفند سال ۱۳۳۴ به شورای حاضر نبود و نیروهایش را از ایران خارج کند اعتراض کرد و سران مسکو را افرادی خواند که به تعهد خود و میثاق‌های جهانی و موازین بین‌المللی که ضامن رعایت حقوق ملت‌هاست بی‌اعتنا هستند و با این کار خود، حاکمیت ملت‌ها و صلح جهانی را به مخاطره می‌افکنند و کره زمین را به صورت جنگلی که در آن، قوی، ضعیف را پاره می‌کند در می‌آورند و از این راه، تمدن بشر را تضعیف و از اخلاق تهی می‌سازند.

## اعتراضات گسترده مردم با هدف ملی شدن صنعت نفت

اجتماعات تهران با هدف درخواست لغو قرارداد نفت با انگلستان و ملی کردن صنعت نفت در ۱۲ اسفند ۱۳۲۹ بیش از روزهای دیگر بود و چهار روز بعد، رزم‌آرا نخست‌وزیر وقت که مخالف ملی شدن نفت بود، جان خود را بر سر این مخالفت گذارد. در این اجتماعات از هر گروهی، ملی‌گرا، مذهب‌پو و کمونیست، افراد شرکت داشتند.

www.iranianshistoryonthisday.com

## قاب امروز



تهران - افتتاح نماشگاه گردشگری و صنایع دستی / عکس از: نسیم آقایی

سرایه

سر سر گشته ام سامان نداره

## دل خون گشته‌ام درمان نداره

به کافر مذهبی دل بسته دیرم

که در هر مذهبی ایمان نداره

باباطاھ عم بان

بزرگان

تمامی افکار خود را روی کاری که دارید انجام می دهید متمرکز کنید. پرتوهای خورشید تا متمرکز نشوند نمی سوزانند.

انسان باید از هر حیث چه ظاهر و چه باطن، زیبا و آراسته باشد.

آنتوان حخوف

## چهل سال پیش در همین روز

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه شنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۵۹  
(برابر با ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۱، ۳ مارس ۱۹۸۱) نقل شده است.

**فرماندهان ارتش و ژاندارمری به حضور امام رسیدند**

پیش از ظهر دیروز حجت الاسلام حاج سید محمود مرعشی نجفی فرزند آیت الله العظمی مرعشی نجفی با امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلام، ابن ابی الدرداء و گفتگو کرد.

پیش از ظهر دیروز هجچنین تیمسار فلاحی  
جانشین ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی،  
سرهنگ جواد فکوری وزیر دفاع و فرمانده نیروی  
هوایی، تیمسار طهیرنژاد فرمانده نیروی زمینی، ناخدا  
افضلی فرمانده نیروی دریایی و سرهنگ فروزان فر  
فرمانده کل راندامری جمهوری اسلامی ایران  
به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری  
اسلامی ایران رسیدند و گزارش هایی از جبهه جنگ را  
به حضه / امام تقدیم کردند.

مارگر ان ابرانی جانگزن کارگر ان غیر محاز خارجی می شوند

استفاده از خدمات کارگران خارجی به طور غیرمجاز ممنوع شد و در این رابطه وزارت کار و امور اجتماع، اطلاعیه‌ای به شرح زیر صادر کرد:

با توجه به وضع بیکاری موجود در جامعه و لزوم اشتغال کارگران ایران بدینوسیله کلیه کارفرمایان سازمان‌های دولتی و خصوصی اخطار می‌گردد که استفاده از خدمات کارگران خارجی به طور غیر مجاز ممنوع باشد.

**دشمنان اسلام می گویند ارتش را از ملت مسلمان**

**وروحانیت متعهد جداسازند**  
قم - گروهی از پرسنل پایگاه نیروی هوایی اصفهان در قم، با فقیه علیقدر، حضرت آیت الله العظمی منتظری دیدار کردند.

آیت‌الله منتظری پس از قدردانی از نقش تاریخی و سازنده افراد نیروی هوایی در پیروزی انقلاب، آنان را به استقامت و پایداری در برابر جریان‌های مخالف اسلام که ممکن است در ارتش نفوذ کنند، دعوت کرد و یادآور شد که دشمنان اسلام همچون شاه معدوم می‌گویند ارتش را، از ملت مسلمان و روحانیت متعهد جدا سازند، تا بمانند به اهداف شیطان، خود را بکشند.

مقاومت می کنیم تا ثابت کنیم مظلوم نیستیم

تیمسار سرتیپ فلاحي جانشين رئيس ستاد  
مشتراك ارتش جمهوري اسلامي ايران در مصاحبه‌اي  
با خبرگزارى پارس نتايج كار هيات بررسى جنگ  
تحميلي عراق عليه ايران و تاثير آن در جنگ و وضع  
جبهه‌هاى جنگ را تشریح كرد.

در پایان تیمسار سرتیپ فلاحی در مورد جبهه‌های جنگ گفت: ما راه امیر المومنین و حسین بن علی (ع) را دنبال می‌کنیم. یعنی راه مقاومت، مقاومت تا آنجائی که ثابت کنیم مظلوم نیستیم چون مظلوم ظالم‌پرور است.

عراق اعلام کرد حاضر به خروج از ایران نیست

جده، خبرگزاری فرانسه با اعضای هیئت «باصطلاح» حسن نیت اسلامی پس از یک دیدار کوتاه از تهران و بغداد، عصر دیزو به جده بازگشته و اندکی بعد برای بررسی نخستین نتایج گفتگوهای خود با مقام‌های ایرانی و عراقی در یک گردهمایی شرکت کردند. به گزارش خبرگزاری عراق ایران باید مناطقی را که می‌خواهد حدود مرزهای آن کشور با عراق باشد روشن کند و هر گونه مذاکره درباره امکانات یا پیشنهادهای مربوط به پایان دادن به جنگ تا وقتی که یک قرارداد آتش‌بس بین دو طرف منعقد نشده، امکان‌پذیر نخواهد بود. صدام حسین همچنین گفته است که ارتش عراق تا وقتی که مذاکرات برای حل اختلاف‌های موجود به نتیجه‌نرسیده است به داخل مرزهای خود عقب‌نشینی نخواهد کرد. حتی اگر جنگ ۲۰ سال دیگر ادامه پیدا کند!

۹۰ نفر در یکی از خانه‌های خیابان دانشکده پلیس دستگیر شدند

شب گذشته پاسداران کمیته منطقه ۷ در پی اطلاعایی که راجع به برقراری جلساتی در یکی از خانه‌های خیابان دانشکده پلیس دریافت کرده بودند، با اخذ حکم از دادستانی انقلاب، این خانه و امور د محاصره قرار داده و گروهی بالغ بر ۹۰ نفر را که در این خانه بودند، دستگیر کردند. گفته می‌شود که «طاہر احمدزاده» استاندار سابق خراسان نیز در جمع دستگیری شدگان است. کمیته منطقه ۷ از دستگیری «احمدزاده»، اظهار بی‌اطلاعی کرده و یادآور شده که ممکن است، «طاہر احمدزاده» توسط کمیته دیگر بازداشت شده باشد.

## سودو کو

	5					6	8	
					4	2	7	
2					9		5	4
		5	1	9			6	8
7								5
1	9			6	7	4		
8	4		7					6
	6	2	9					
	1	7					4	

6	4	9	2	1	8	3	7	5
3	7	5	6	4	9	2	1	8
2	1	8	3	7	5	6	4	9
9	6	4	8	5	2	1	3	7
1	2	3	9	6	7	8	5	4
8	5	7	4	3	1	9	6	2
7	9	6	1	8	4	5	2	3
4	3	2	5	9	6	7	8	1
5	8	1	7	2	3	4	9	6

حل ۲۹۶۴

## جدول شرح در متن

کویت از آثار اوست	د	سلطان نوک مثلث	شکم بند طلی حساب	جام قهرمانی کتابه از قهیدست	کویت از آثار اوست
دوره لیسانس تیمت					
			از تنقلات کودکان گونه		
	روزه نظامی زمان		فرمان خودرو نوشیدن		
طلا		نور خواهر			
مید صدای سک			کشور بغداد مقبول و خوشایند		
نام افزون نوعی یک					
ت			سلاح انفجاری		
	بدن ، تن یادر رستم		تصدیق عامی		
پنج ترکی چسب صنعتی					
	جمع مدینه				
صدای گریه آگاه و بیسواد					
رفت و آمد مبدلن ابو سعید ابوالثیر					
م					